

نابودی باد جنگ؛ مرگ بر خمینی؛
زنده باد صلح و آزادی

نبرد خلق

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

۱۲ صفحه - ۵۰ ریال

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
پیرو برنامه (هویت)

دوره چهارم - سال سوم
فروردین ماه ۶۰ شماره ۳۴

**حماسه مبارزه، مقاومت، وشهادت بیژن جزنی و همروزمانش
همیشه الهام بخش مبارزان راه رهایی طبقه کارگرو زحمتکشان
میهن ما خواهد بود.**

**طرح شورای ملی مقاومت ایران
درباره آزادی ها و حقوق زنان**

در صفحه ۵

درباره آخرین طرح شورا

شورای ملی مقاومت از ابتدای حیات خود، به مبارزه زنان میهن ما علیه رژیم خمینی ارج گذاشته و از این مبارزه که همپای مبارزه مردان همواره در سطوح مختلف جریان داشته، بصورت های مختلف قدرتی کرده است. اکنون این افتخار نصیب شورای ملی مقاومت میشود که با مسئولیت و جدیت خاصی، که تابسته باد التراب و دموکراتیک است، مسائله تبعیض جنسی علیه زن را مورد بررسی قرار دهد و تمامی این تبعیض ها را لغو و رد نموده و در باره برداشتن موانع در مقابل مبارزه اجتماعی زنان، اقدامات اساسی بعمل آورد.

طرح اخیر شورای ملی مقاومت ایران که در اولین اجلاس سال جاری شورا به تصویب رسید، یک طرح جامع و کامل در رابطه با مسائله تبعیض جنسی بر زنان میهن ماست. همچنین این طرح با رد تلقی کالایی از زن، با تکرش های بورژوازی در رابطه با زنان مرزبندی قاطع نموده است. در این طرح با سه در صفحه ۲



در سی ام فروردین سال ۵۴، ۷ رزمنده اسپر و قهرمان فدایی، بهسراه دو مجاهد اسپر و دلیر توسط مزدوران ساواله شاه، بشهادت رسیدند. خون آفرینای فدای، بیژن جزنی، حسن قیاب، ظریفی، عزیز سزمدی، مشعوف (سعید) کلانتری، عباس سورکسی محمد جویانزاده، احمد جلیل افشار و مجاهدین خلق، کاظم دوالانوار و مصطفی جوان خوشدل، سر زمین ریخت، تا بفر آگاهی پرورش یابد و نپسال آزادی پرورش یابد.

رفیق بیژن جزنی، یکی از برجسته ترین چهره های جنبش کمونیستی ایران بود. وی نقش بسیار فعال و موثر در ایجاد جنبش مسلحانه انقلابی در میهن ما داشت.

از رفیق جزنی آثار پر ارزشی بر جای مانده که نشان دهنده خلایقیت و ایمان وی به رهایی توده های محروم و ستمدیده میهن ماست. گر چه بسیاری از ایورتونیست ها، که در زمان حیات رفیق جزنی، با اندیشه ها و نظرات او، بشدت مخالفت می کردند، اکنون پس از شهادتش، مژورانه یادی از می کنند. در صفحه ۲

برخورد رژیم به تسلیم شدگان در کردستان

هشت سال است که خلق کرد زیر توب و خمیازه بارانهای رژیم خمینی بسر می برد. صدها روستا توسط نیروهای رژیم به آتش کشیده شده است. هزاران نفر، زن و مرد، پسر و جوان و حتی کودکان خردسال به بند کشیده شده اند. صدها انسان آزاده به دار آویخته شده و با تیرباران شده اند. دهها بیچاره کشتارهای دسته جمعی صورت گرفته، تا آتش نبرد سلححانه را خاموش کنند، تا هر طور که می خواهند سلطه خود را بر کردستان بگسترانند. اما آتشی که خود مردم هیرم کش آند هرگز خاموش نشده و نخواهد شد و روز بروز شعله ورتر می شود.

از همان هنگامی که رژیم خمینی به سرکوب خلق کرد مبادرت ورزید، فرزندان رزمنده خلق کرد برای رسیدن به آزادی و خودمختاری سلاح بر دوش گرفتند و تا کلمون با تحمل سختیها و با پشت سر گذاشتن فراز و نشیبهای فراوان در راهی که قدم گذاشته اند همچنان استوارند.

رژیم برای در هم شکستن نیروی پیشمرگه کردستان تا جایی که توانسته نیرو اعزام کرده است. امروز در صفحه ۶

(اشک تمساح)

در باره مواضع عوامنرسانه رژیم خمینی پیرامون نقض حقوق بشر در ایران
از آنچه رژیم ضد بشری خمینی طی هشت سال گذشته بر سر مردم محنت زده ایران آورده است، همه اطلاع دارند. بطور خلاصه، بیلان ۸ ساله حکومت ننگین خمینی را می توان به چندین بخش بدین ترتیب بیان نمود:

خلق آویز کردن و تیرباران و کشتار هزاران تن از رشیدترین فرزندان مبارز و مجاهد و پیشمرگه زندانی کردن هزاران نفر از آگاه ترین، فداکارترین و شریفترین فرزندان خلق، براه انداختن جنگ ضد خلقی علیه مردم زحمتکش کردستان، به کشتن دامن صدها هزار تن از هم میهنان ما در جنگ ارتجاعی بسا عراق و تعطیل کردن دانشگاهها و بازگشایی زندانها با وجود این، در اثر تلاشهای بیگنر و شبانه روزی اعضای "شورا" و سازمان مجاهدین خلق در سطح بین المللی و با افشاگریهای همه جانبه آنان در سازمانها و مجامع جهانی، رژیم خمینی هر روز بیشتر در صفحه ۲

**اول ماه مه
روز جهانی کارگران
گرامی باد
کارگران و زحمتکشان
برای سرنگونی رژیم خمینی
نابودی جنگ و استقرار صلح و آزادی
متحد شوید**

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
پیرو برنامه (هویت)

هر چه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی

درباره آخرین طرح شورا از صفحه ۱

رسمیت شناختن شکل های زبان و حمایت از سازمان نیابی زبان کشور ، راه را برای شرکت گسترده زنان در امور مربوط به جامعه و خودشان ، باز گذاشته و بدین ترتیب ، در ایران بعد از خمینی ، زنان کشور ما خواهند توانست با شرکت گسترده در مسائل اجتماعی و نیز با ارائه نظرات و طرحهای گوناگون پیرامون مسائلی که مربوط به خودشان است ، دولت موقت و ارگانهای قانون گذاری کشور را یاری رسانند .

در این طرح همچنین پیرامون مزد مساوی یا مردان در کار مساوی ، حق مساوی طلاق ، حق مساوی بر ارث ، شهادت و ... و نیز ممنوعیت تمسند زوجات ، موضع گیری شده است که این خود نشان دهنده موضع مترقیانه شورا و یک پله اعضا آن پیرامون مساله تبعیض جنسی بر زبان میهن ماست .

بعضاه در طرح شورا اعلام شده است که زنان ایران همیای مردان میتوانند هر شغل و مقامی (تا با لاترین رده) در ارگانهای اجرایی و قضایی انتخاب کنند و هیچ مانع حقوقی و قانونی در مقابل آنان وجود نخواهد داشت . اما نکته ای که در اینجا توضیح آن ضروریست ، اینست که در مقابل زنان میهن ما تنها موانع حقوقی و قانونی وجود نداشته است . بلکه سلسله موانع دیگر از قبیل سنت های موجود و جود داشته و مسلما تا مدتی وجود خواهد داشت . این موانع را نمی توان با آیین نامه و قانون برطرف نمود . در این رابطه کار آموزشی مداوم و شرکت فعال خود زنان ضروریست . طرح فوق با توجه ویژه به مساله آموزش ، راه را برای برداشتن موانع سنتی باز کرده است ، ضمن آنکه با برداشتن موانع قانونی عملا بسیاری از سنن ارتجاعی را لغو کرده است . برای مثال حق مساوی برای زنان در مورد شرکت در امور هنری تا هر سطحی ، امور ورزشی تا هر سطحی (شرکت در تمام مسابقات ورزشی) و ...

در این طرح با اعلام " حق انتخاب آزادانه لباس و پوشش " در مورد یکی از مهم ترین مسائلی که محصول حاکمیت رژیم خمینی در کشور ماست ، موضع گیری شده و تمامی اجزای رژیم خمینی در این مورد را ملنی نموده است . نکته آخری که باید بدان توجه شود ، اینست که تصویب این طرح در شورای ملی مقاومت ، با توجه به اینکه شورا ، از نیروها و شخصیت های مختلف با گرایشات و نظرات مختلف اپدئولوژیک و سیاسی تشکیل شده است ، یک پیروزی بزرگ برای کار ائتلافی بشکل کاملاً دموکراتیک است . چرا که در واقع رسیدن به توافق بر سر مسائل مهمی از قبیل ستم جنسی بر زنان ، در هر ائتلافی کاری بس مشکل است و هیچ نیرویی در یک ائتلاف نمیتواند ، به تمامی نظراتش دست یابد . تا آنجا که به سازمان ما مربوط میشود ، در طرح حاضر ، نمود و پنج در صد نظرات اساسی ما در رابطه با رفع تبعیض از زنان کشور ، در آن گنجانده شده است . تصویب این طرح در شورای ملی مقاومت ، مسلما تاثیرات موثر و مفیدی در مبارزه زنان کشور

(اشک تمساح) از صفحه ۱

از روز پیش ایزوله شده و پرده از روی چهره گرفته و زشت آن که خود را در زیر لوای دفاع از " محرومان و ستم دیدگان " و " شجاعت با " امیرالایم " پنهان کرده بود ، افتاده است . در عین حال رژیم تمام تلاش خود را بکار گرفته تا بار دیگر آبروی نداشتنش را باز یافته و از آشکار شدن هر چه بیشتر اعمال جنایت کارانه اش در قبال مردم آزاده ایران در سطح بین المللی جلوگیری کند .

اخیرا (روز جمعه ۲۴ بهمن ۶۵) جلسه ای با حضور نمایندگان کشورهای عضو کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو تشکیل گردید . در این گردهم آیی که بمنظور بحث در مورد نقش حقوق بشر در افریقای جنوبی تشکیل یافته بود ، نماینده رژیم ضد بشری خمینی نیز حضور داشت . نماینده خمینی ، مزدوری بنام بمرالله کامیاب بود . وی با نهایت بی آبرویی و استیصال به سخنرانی پرداخت و از نقش حقوق بشر در افریقای جنوبی داد سخن داد . این مزدور خود فروخته در قسمتی از گفته های خود از " وجود یسک رژیم نژاد پرست در جهان " سخن راند که " مایه سرافکندگی جامعه بین المللی " است . این در حالیست که در کنار همین " رژیم نژاد پرست " رژیمی قرار گرفته که به استناد دینی و ارتجاع مذهبی استوار بوده و به " عقب مانده ترین " نظامهای دوران جامعه بشری منطبق دارد . این حکومت واپسگرا نه تنها ضد نژاد و ملتپرستانه و مذاهب غیر از " اسلام " خودش است بلکه رژیمی است ضد انسانی و ضد بشر .

در همان هنگامیکه این سخنان از حلقوم کشف ایست چنایتکار جاری می شد ، سازمان ملل متحد در گزارشی که به توسط ریئالدو پوهل یک قاضی السائوادوی در مورد نقض حقوق بشر در ایران انتشار داده بود ، اعلام داشت : " در زندانهای ایران از ۶۲ نوع مختلف

حمايه مبارزه، مقاومت ... از صفحه ۱

لنین در مورد اینگونه رفتار می نویسد :
" طبقات ستمگر ، انقلابیون بزرگ را در زمان حیاتشان همواره در معرض بیگرد قرار می دهند و آموزش آنها را با خسی بی سببانه ، کینه های بی دهنوار و سلیبی از اکاذیب و افتراءات کاملاً گستاخانه ای ، استقبال می نمودند . پس از مرگ آنها کوشش هایی بعمل می آمد تا بت های بی زبانی از ما علیه رژیم خمینی بر جای خواهد گذاشت و این افتخار برای شورای ملی مقاومت بر جای خواهد ماند که مبارزه زنان کشور ما برای رسیدن به حقوقشان را به رسمیت شناخته است . در ایران آزاد مستقل و دموکراتیک فردا ، زنان میهن ما بدون هر گونه تبعیض جنسی در کنار مردان کشور ، برای رهایی اجتماعی پیش خواهند رفت .

مشول نشریه نبرد خلق - زهره

شکنجه جسمی و روانی استفاده میشود . " کامیابی جنایتکار در قسمت دیگری از سخنان خود ابراز داشت : " جمهوری اسلامی ایران کلیتاً کشورهای را که از هر نوع روابطی با افریقای جنوبی برخوردار هستند محکوم میکند ، چه این کشورها امپریالیسم امریکا باشد چه اسرائیلیسم صهیونیست . "

این سخنان در حالی ابراز میشود که ماجرای ایران کیت و رسوایی روابط پنهانی امریکایی " امپریالیست " و اسرائیل " صهیونیست " با رژیم ولایت فقیه جزو سرفاله های روزنامه های مختلف جهان است و هر روز سند تازه ای از این رسوایی فشاخت باز فاش می شود و در عین حال خود رژیم آخوندی از روابط حسنه ای با رژیم آپارتاید برخوردار است .

مزدور خمینی سپس به دفاع از نامیبیا در مقابل عملیات تروریستی افریقای جنوبی می پردازد و اعلام می دارد که " ایران در جهت حفظ آزادی نامیبیا همه نوع کوششی بعمل خواهد آورد " در حالیکه به همگان روشن است که رژیم جنگه امروز خمینی با ادامه جنگه خانمان برانداز ایران و عراق و اتخاذ سیاست بان اسلامیتی و به اصطلاح " صدور انقلاب " ترور ، نه تنها یکی از تاکتیکهای عملی برای پیشبرد سیاستهای توسعه طلبانه اش بلکه (ترور) از مضمون و ماهیت رژیم ولایت فقیه سرچشمه گرفته است . لازم نیست که برای اثبات سیاست های تروریستی رژیم به اسناد و مدارک گوناگون استناد کرد بلکه همین دخالت در امور کشورهای منطقه و خاورمیانه و اجبر کردن گروههایی که بنام " اسلام " می جنگند ، گواهی بر اثبات مدعای ماست . دخالت در امور افغانستان سه قصد به جان امیر کویت و دخالت در امور داخلی آن کشور ، توطئه بر علیه سازمان آزادیبخش فلسطین و خلق فلسطین ، گروگانگیری در لبنان ، نمونه هایی از هزاران عملگرده تروریستی رژیم در قبال دولت ها و ملت های خاورمیانه است .

آنها سازند و آنها را به اصطلاح تقدس کنند ، شهرت معینی برای نام آنها ، بمنظور " تسلی " طبقات ستمکش و تحمیل آنان قائل شوند و در عین حال این آموزش انقلابی را از مضمون شپی سازند ، برندگی انقلابی آنها را مثل تعابیر و خود آنها را متذلل کنند ، در مورد یک چنین " عمل آوردن " سار - کسیم ، اکنون بورژوازی و اپورتونیست های داخل جنبش کارگری با یکدیگر همداستانند . "

و در شرایط کنونی از طرف اپورتونیست ها و فرمست ها و در جهت مقابله با مضمون انقلابی اندیشه های رفیق جزینی که بحق ما پرچمداران آن می باشیم ، عوامقربانترین حرکات صورت می گیرند . اما دیدگاههای رفیق قهرمان ، فدایی کمپر بیژن جزینی با آن روشنی و اصولیت محکم آن ، هرگز نمی تواند مورد دستبرد اینگونه جریانات اپورتونیستی قرار گیرد . ما در سالگرد شهادت این قهرمانان فدایی یکبار دیگر بر راه و اندیشه های آنان ، که اکنون در راه مبارزه سلسلانه انقلابی برای سرنگونی رژیم تر

رهبری طبقه کارگر

ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است

چرا راه کارگر از مقاومت انقلابی کارگران می‌ترسد

نشریه راه کارگر در شماره ۲۶ بتاريخ اسفند ماه ۶۵، مقاله‌ای تحت عنوان "چه کسانی بسا کدهای ارتجاعی - امپریالیستی" سخن می‌گویند؟" در جواب مقاله "آخر خط استحاله و سوختن تمام عبار کارت سلطنت، يك نقطه عطف مهم سیاسی در تاریخ مقاومت عادلانه مردم ایران" مندرج در شماره ۷۸ نشریه اتحادیه انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج کشور، نوشته است.

منطعین راه کارگر در مقاله خود، به سیاق همه اپورتونیست‌ها، فریاد "اصول پرستی کذاب بر داده و" تمشیر چوبین "خود را از رو بسته تا با انبوهی از دشنام‌های خمینی بسند، انفعال و بسی عملی خود را در محنه واقعی مبارزه بیوتاند.

در مقاله راه کارگر، به نوشته من تحت عنوان "اپورتونیسم و سازماندهی جنبش کارگری - در باره مضمون و شکل جنبش کارگری ایران" مندرج در نبرد خلق شماره ۲۰ (آذرماه ۶۵) نیز پرداخته شده است. گرچه نویسنده مقاله برای پنهان کردن وحشت خود از افشای سیاست رفرمیستی، اپورتونیستی و اکونومیستی، "راه کارگر"، ضمن ارائه يك مشتاراجیف و شعارهای تو خالی، ضمنا ادعا کرده که مقاله من را قابل "پاسخگویی" نمی‌داند. اما خواهی نخواهی، مجبور به پاسخ گشته و یکبار دیگر نشان داده است که سیاست "راه کارگر" در مورد جنبش کارگری، تا چه حد از سیاست مستقل کارگری و سیاست انقلابی و کمونیستی فاصله دارد. ضمنا راه کارگر که اخیرا خود را در مقام "فقیه عالیقدر" احساس کرده و برای "ولایت" و "سرکردگی" به اصطلاح مارکسیست - های از نوع خودش، احساس "ابر" قدرتی می‌کند، بنا به شیوه چماق داری، برای من "صلاح" دید تعیین کرده و برای اینکه از قافله مسئول تبهکار خارج از کشور اقلیت عقب نیفتد، به شیوه خود او، خط و نشان کشیده است.

راه کارگر می‌نویسد "سهدی جامع، آدم دست نشانده رجوی هم که گاه بیشتر از جیره‌ای که از رجوی دریافت می‌کند، به کمونیست‌ها جفتک می‌پراند (و به خیال آنکه پرونده و سوابق زندانش فرا سوش شده است، خود را به رفیق بیژن جزئی می‌چسباند و فرمایشاتی می‌کند که به صلاح نیست!)"

بدینسان روشن میشود که در نمای فرسنگ، راه کارگری‌های منفعل آنچنان احساس "ولایت" کرده‌اند که وقتی سیاست اکونومیستی و پاسیفیستی آنها اشاء میشود، وقتی روشن میشود که در پس جملات پر طعطر راه کارگر، چه سیاست کهنه شده اپورتونیستی و رفرمیستی نهفته است، یکبار به یاد "سوابق"، "صلاح" دید می‌افتد.

افشاکری ما، علیه اکثریتی‌ها و باند تبهکار را بمثابة "جفتک" به "کمونیست‌ها" تلقی می‌کند و ایضا مدافع رفیق شهید بیژن جزئی، که عناصر اولیه راه کارگر، آنقدر در حق او جفا کردند، میشود. لازم

است به این آقایان بگویم که نه چماق کشی امروز شما و نه هندوانه زیر بغل گذاشتن گذشته‌تان نمی‌تواند، مانعی برای اتخاذ خط مشی اصولی و اشاء خطوط اجرایی از طرف من گردد.

راه کارگر سپس می‌نویسد: "پیرو برنامه" کمونیسم ستیزی رجوی، با از گلبم خود دراز کرده در باره سازماندهی کارگران مقاله‌ای نوشته و در آن راه کارگر را بخاطر آنکه از سازماندهی مبارزات اقتصادی و سیاسی بلاواسطه کارگران چشم نمی‌پوشد و کارگران را در "هسته‌های مقاومت" برای اجرای "فرمان مسعود" و "زدن سرانگشتان رژیم" سازماندهی نمی‌کند. "اکونومیست" نامیده است! نه بخاطر آنکه سامع درخور پاسخگویی است، بلکه صرفا بخاطر آنکه این پاسخ داری اهمیت است، متذکر می‌شوم که حتی اگر راه کارگر فقط بسا سازماندهی مبارزات صنفی کارگران چسبیده باشد و واقعا اکونومیست باشد، باز هم اکونومیسم آن مترقی‌تر از "سیاست" رجوی خواهد بود! ملاحظه میشود که راه کارگر بدان چماق کشی اول برای این متوسل شده بود که بعد با اعلام "زنده بسا اکونومیسم"، فرار خود از انقلاب را توجیه کند و حق افشاء آنرا از دیگران بگیرد. راه کارگر البته خود را بفراموشی تلقی می‌کند و نوشته‌های آنهم هنوز از پساند دیگران نرفته است. راه کارگر سیاست شهادت‌نامه اپورتونیستی را پیشه می‌کند که هر جا قابلیت را تنگ دیدند، به پاشنه دیگر بچرخند و اشاء خمینی واقعیت از طرف من بود که راه کارگر را اینگونه به خشم آورده است. پس باید یکبار دیگر بطور خلاصه این سیاست اپورتونیستی را عریان کرد، تا جنبش کارگری کمونیستی راه خود را روشن تر باز شناسد. ببینیم راه کارگر چگونه به مقاله من جواب داده است. راه کارگر آنگونه صحبت کرده که گویسی، سازماندهی مبارزه اقتصادی کارگران، یکی از چندین و چندین وظیفه راه کارگر است که شأن آن برای راه کارگر، در حد دیگر وظایف است. در حالیکه این چنین نیست. راه کارگر مضمون اصلی جنبش کارگری را در شرایط کنونی، مبارزه اقتصادی برای خواسته‌های بلاواسطه می‌داند و شکل اصلی آنرا هم "اتحادیه" تعیین کرده است. راه کارگر قبلا گفته است که تناقضی بین دوران انقلابی و عمده بودن شکل اقتصادی مبارزه وجود ندارد. راه کارگر با این سیاست خود، جنبش کارگری را به پشت جبهه مبارزه توده‌ها می‌کشاند. راه کارگر با این سیاست خود، کارگران را از سیاست دور میکند، به آنان اندرز می‌دهد که برای "سرنگونی رژیم" و برای "ملح و آزادی" مبارزه نکنند، بلکه برای چند درمصد اضافه دستمزد مبارزه کنند. این سیاست که راه کارگر با "افتخار" يك سرباز ساده لشکر اکونومیست‌ها از آن دفاع می‌کند، يك سیاست "اکونومیستی" است. نه من و نه سازمان ما هیچگاه نگفته‌ایم که

کارگران نباید برای خواسته‌های صنفی خود مبارزه کنند و کمونیست‌ها نباید این مبارزه را سازماندهی کنند. ما گفته‌ایم و اکنون نیز به اپورتونیست‌ها می‌گوییم که "کانون اصلی مبارزه" را تعیین نکنند، "مضمون اصلی" مبارزه کارگران را تعیین نکنند. وقتی راه کارگر، مضمون اصلی مبارزه کارگران را در شرایط بحران انقلابی، مبارزه اقتصادی می‌داند و شکل سازماندهی آنرا هم "اتحادیه" می‌داند، ما بر اساس اندیشه لنین خود را موظف می‌دانیم که به راه کارگر بگوییم که "آقایان شما اکونومیست ناب" تشریف دارید. و حتما راه کارگر خوب می‌داند که از نظر لنین اندیشه "اکونومیستی" در بحران انقلابی ره یکجا می‌برد. راه کارگری‌ها ابتدا، سیاست انفعالی برگزیده‌اند و سپس آنرا تئوریزه می‌کنند.

اما آنگاه که در مجموعه‌ایکه هر ماه بعنوان نشریه راه کارگر ارائه می‌دهند، دهها تناقض در بطن يك سیاست اپورتونیستی را بنمایش می‌گذارند، دیگران را مورد شماتت قرار می‌دهند. راه کارگر به خیال خود خواسته است رد کم کند و در فضایی که تنها شایسته خود راه کارگر است با عوامفریبی ما را از گفتن حقیقت باز دارد. راه کارگر مدعی میشود که من به آنان پیشنهاد کرده‌ام که "هسته‌های مقاومت" برای اجرای "فرمان مسعود" و "زدن سرانگشتان رژیم" تشکیل دهند. ما گفته‌ایم و باز هم می‌گوییم که بر روی چگونگی نامیدن سازماندهی کارگران، هیچ تاکید بخصوصی نداریم. برای ما مهم اینست که هر نوع سازماندهی باید در خدمت مبارزه کارگران برای نابودی جنگ، سرنگونی رژیم ارتجاعی خمینی و استقرار صلح و آزادی باشد و این سازماندهی باید يك پیوند ارگانیک با مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم ارتجاعی حاکم از طریق قیام مسلحانه توده‌های داشته باشد، تمام حرف ما این بود. حال شما می‌گویید این "فرمان مسعود" است، اگر این است پس چرا شما تنگ مخالفت و دشمنی با این "فرمان" را بر خود می‌پذیرید. اگر "فرمان مسعود"، سازماندهی کارگران برای سرنگونی رژیم خمینی از طریق يك قیام مسلحانه توده‌های است، شما که با این فرمان اعلام جنگ می‌دهید، واقعا به ارتجاع خدمت نمی‌کنید؟ آیا شما که در مقابل این "فرمان" از کارگران می‌خواهید تا بطور عمده انرژی خود را صرف تشکیل "اتحادیه" کنند برای "چند در صد" اضافه حقوق مبارزه کنند، در خدمت بورژوازی، آنهم ارتجاعی - ترین جناح‌های بورژوازی قرار نگرفته‌اید، راستی شما "جیره" این خوش خدمتی را از کجا دریافت می‌کنید و "دست نشانده" چه سیاستی هستید و سر انجام راه کارگر مدعی شده است که سیاست اکونومیستی اش مترقی تر از سیاست مبارزه برای سرنگونی رژیم خمینی از طریق قیام مسلحانه توده‌هاست. این دیگر "شاه" کار فرمایشات فقه‌های راه کارگر است. در این جای شکی نیست که سیاست کارگری راه کارگر اکونومیستی و رفرمیستی است. در این هم جای شکی نیست که سیاست مقاومت انقلابی ایران که بسوسله مسعود رجوی نمایندگی در صفحه ۱۰

اخبار کوتاه

مختلف جهان با امضاء يك بیانیه جهانی ، رژیم
فرون وسطایی خمینی را محکوم نموده و از مقاومت
عادلانه مردم ایران برای صلح و آزادی حمایت کردند .
متن بیانیه فوق بصورت زیر می باشد :

حمایت از صلح در جنگ ایران و عراق

توقف بمباران شهرها و غیر نظامیان در جنگ
ایران و عراق ، که بر اساس درخواست موکد آقای
مسعود رجوی رهبر مقاومت ایران از سوی دولت عراق
پذیرفته و اعلام گردیده ، ندای صلح را تا اعماق قلوب
مردم دو کشور برده و به يك دور خونبار از بمباران
شهرها و غیر نظامیان پایان بخشیده است . بدین
طریق بنام تبادل تداوم خونبار و بلاوقتهی جنگ افروزیهای
رژیم فرون وسطایی خمینی ، در پی رد تمامی
موارد درخواست ها و میانجیگریهای صلح خواهانهی
دولت ها و مراجع بین المللی توسط این رژیم ،
مسئول شورای ملی مقاومت ایران ، در يك اقدام
عملی ، آتش بس در جنگ شهرها را محقق ساخته
است .

بنا بر این :

۱- در راستای برقراری صلح دایم در جنگ ایران
و عراق ، از ابتکار صلح رهبر مقاومت ایران برای
خاتمه بخشیدن به جنگ شهرها حمایت نموده ، از دول
صلح دوست و سازمانهای بین المللی می خواهیم که
تعمای امکانات خود را برای استمرار این آتش بس
بکار گیرند .

۲- ضمن محکوم دانستن اصرار رژیم خمینی بر
ادامهی جنگ ایران و عراق و دخالتش در حق تعیین
سرنوشت ملل دیگر که با جنگ افروزی در مرزها
و تروریسم و آشوب برانگیزی در ماوراء مرزهای
ایران به اجرا در می آید ، بر لزوم تحریم تسلیحاتی
این رژیم تاکید ورزیده و طرح صلح پیشنهادی از طرف
شورای ملی مقاومت ایران برای پایان جنگ مذکور را
که طی قطعنامهی شماره ۱۳۵-۵۲ مورخ ۸ دسامبر

شدت مجروح شدند . و بقیه مزدوران با به فرار
گذاشتند .

۲۷ اسفند ماه در تهاجم رزمندگان دلاور مجاهد خلق
به مزدوران دشمن شد بشری در نخستین ساعات بامداد
در حوالی رودخانهی قره تپهی دهلران ، پایگاه مشهور
به پایگاه حفاظت پل به تصرف کامل رزمندگان مجاهد
خلق در آمد . در این عملیات ۲۵ تن از ایادی مسلح
خمینی بهلاکت رسیدند و ۵ نفر زخمی و ۲ تن بسه
اسارت در آمدند .

۲۷ اسفند ماه درگیری گستردهای بین رزمندگان
مجاهد خلق با مزدوران دشمن در منطقه ایلام صورت
گرفت . در این درگیری که ۴/۵ ساعت ادامه داشت ،
دهها نفر از مزدوران دشمن کشته و زخمی شدند .
در این نبرد قهرمانانه سه تن از رزمندگان يك واحد
رزمی مجاهد خلق در مسیر آزادی خلق و سپه
سرفرازانه جان باختند . این سه تن بنامهای مجاهد
شهید ، علمبرما فتوحی (سعید) - مجاهد شهید سید
حسین نبوی (سعید) - مجاهد شهید محمد جواد
صادق نژاد (سهران) می باشد .

۲۹ اسفند ماه رزمندگان قهرمان مجاهد خلق طی
يك درگیری گسترده با مزدوران پاسدار و جاش سیاه
ضد خلقی خمینی در منطقهی "از گله" از توابع
شهرستان پاوه ، کمین گستردهی آنها را در هم
کوبید و پس از کشته و زخمی کردن حداقل ۱۰ تن
از مزدوران جنایتکار خمینی ، حلقهی محاصره ۵
پایگاه دشمن را در هم شکست و سالم به پایگاه
خوبش باز گشتند .

طی سه رشته عملیات رزمندگان مجاهد خلق ، محافظ
امام جمعه اراک بنام نیرام ربیعی و یکی از مسئولین
عالیترتبه اسفهان مزدوری بنام صادقی ، همچنین
پایدار سرکوبگر دیگری بنام آقایی توسط هسته های
مقاومت مجاهد خلق بهلاکت رسیدند .

رزمندگان مجاهد خلق طی سه رشته عملیات
تهدید کننده ، منطقهی وسیعی از نوار مرزی مریان
را تحت کنترل خود در آوردند و يك پایگاه دشمن
را در هم کوبیدند و ۲ گروه از مزدوران دشمن ضد
در صفحه ۵

۱۹۸۶ پارلمان اروپا و شماره ۸۲۹ مورخ ۲۰ سپتامبر
۱۹۸۵ مجمع پارلمانی شورای اروپا مورد حمایت قرار
گرفته ، بعنوان راه حل صلح دایمی و عادلانه بین
دو کشور مورد پشتیبانی قرار می دهیم .
۳- روند حرکت و اصول سیاست های شورای ملی
مقاومت و سازمان مجاهدین خلق ایران را موند این
واقعیت می دانیم که تنها راه حل برای يك ایران -
صلح جو و دمکراتیک شورای ملی مقاومت می باشد
که کلید صلح و آزادی و حسن همجواری ایران و عراق
و آرامش منطقه را در دست دارد .



روزنامه های سوئد بر اساس تحقیقاتی که پیرامون
رابطه بین قتل اولاد پالمه و ارسال غیر قانونی
تسلیمات و مهمات از سوئد برای رژیم خمینی انجام
گرفته فاش کردند که اولاد پالمه ، نخست وزیر
سوئد احتمالاً توسط مزدوران رژیم خمینی به قتل
رسیده است . در ضمن گفته میشود که پالمه ضمن
ادامه تلاش هایش برای میانجیگری و خاتمه دادن
جنگ ایران و عراق ، مصر بود که از ارسال اسلحه
برای رژیم خمینی جلوگیری شود .



اخبار مقاومت

تیمه اتحادیه انجمن های دانشجویان
ن خارج از کشور : هواداران سازمان مجاهدین
۲۸ بهمن ماه رزمندگان يك هفته مقاومت مجاهد
خلق ، يك گشتی سرکوبگر دشمن ضد بشری را در
منطقه ی سید کامن بون عباسی غافلگیر کرده و آن را
مورد تهاجم انقلابی قرار دادند . در اثر این تهاجم
غافلگیرانه ، واحد گشتی کمینتهی ضد آزادی در هم
کوبیده شد و شماری از سرنشینان مزدور آن مجبور
گردیدند .

۲۷ اسفند ماه چند واحد از رزمندگان مجاهد خلق
در نیمه شب ، پایگاه پاسداران و مزدوران سرکوبگر
خمینی واقع در دشت باووسی از توابع شهرستان سر
پل دهب را از دو سو ، مورد تهاجم بی امان خود قرار
دادند . طی این تهاجم ۲۶ تن از نیروهای سرکوبگر
خمینی جلاد بهلاکت رسیدند و دست کم ۵۰ تن بسه

حمایت قدراسیون سواستی کارگران بلژیک (FGTB)

بروکسل ، ۱۲ / مارس / ۱۹۸۷
آقای مسعود رجوی
مسئول شورای ملی مقاومت ایران

بدون شک وجدان جهانیان متوجه وضعیت غم انگیزی است که
ملت جنگ بین ایران و عراق برای مردم و خانواده ها بوجود آمده
است .

من معتقدم که جامعه بین المللی و بالخصوص سازمان ما ، وظیفه
دارند بطور واضح و مشخص از وحشیگریهایی که ویژگی این جنگ
است ، فاصله بگیرند . همچنین باید خواستار صلح بین دو ملت بود .
این درخواست می بایست با نقطه ی پایان نهادن بر زنجیر مرگبار
بمباران شهرها و غیرنظامیان مادی می شد .

کارگران بلژیک همچنین می خواهند علاقه ی خود را به صلح و
رعایت حقوق بشر اعلام کنند .

آنها آرزو می کنند فر کوتاه ترین زمان ممکنه ، راه حلی که بتواند
صلح عادلانه و قابل دوام را بین دو کشور تضمین کند ، برقرار گردد .
آقای عزیز ، از شما می خواهم سلام های ویژه ی مرا بپذیرید .

آندره وان دن بروک
رئیس

بمباران شهرها
نتیجه جنگ
افروزی رژیم خمینی
سپهمنما - پیرو برنامه هویت
تهران - واحد فدائی شهید منصور اسکندری

تراکت فوق به تعداد ۲۰۰ عدد در تاریخ ۲۳ بهمن ، بلافاصله پس
از بمباران هوایی مناطق ارباشهر ، برق آلتوم و شهرآرا توسط رفقای سازمان
در این مناطق پخش گردید .

اخبار کوتاه

از صفحه ۴

بشری را به کمین انداختند - در این عملیات بیش از ۲۰ تن از عوامل سرکوبگر خمینی از پای درآمدند و فرمانده و ۴ تن از آنان تسلیم رزمندگان شدند.



به نقل از نشریه اتحادیه انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور - هواداران سازمان مجاهدین خلق

- در اوایل اسفند ماه جاری در خمین خمینی ۱۸ اسیر مقاوم مجاهد و مبارز خلق را در شکنجه گاه اوپین تیرباران نموده‌اند - یکی از این شهدا (رسول محمد زاده شهبازی) فرمانده یکی از واحدهای عملیاتی مجاهد خلق می‌باشد که سال گذشته دستگیر و بعد از شکنجه‌های وحشیانه تیرباران شد.



تلاشهای مخربانه برای مقابله با مقاومت انقلابی

رژیم درمانده جمهوری اسلامی تا کنون بارها اعلام نموده که مقاومت انقلابی را در هم شکنند و ۹۰ درصد از نیروهای رزمنده مقاومت را دستگیر و به شهادت رسانده است. اما هر روز مجبور است در مقابل پیشرفت انقلاب عکس العمل‌هایی از خود نشان دهد که نشان‌دهنده واقعیت رشد یابنده مقاومت انقلابی است و مشخص میشود که دروغ‌های رژیم پیرامون سرکوب انقلابیون چقدر میان تهی بوده است. آخرین اقدام رژیم در رابطه با مقاومت انقلابی عملیات سربال تخت عنوان نمویک در تاریخ ۶۶/۱/۲۷ در منطقه مرزی یانه بود که به ادعای خود رژیم تعدادی از پایگاههای مجاهدین خلق ایران را مورد حمله قرار داده است. گرچه تمامی آمار رژیم در رابطه با این عملیات دروغ محض است، اما اینکه سناد کل نیروهای سه کانه سپاه ارتجاع و قرارگاه حصره، دست به چنین اقدامی میزنند، آنرا در رساله‌های خود اعلام می‌کنند، نشان‌دهنده اینست که مقاومت انقلابی با قدرت پیش میرود و رژیم برای روحیه دادن به نیروهایش مجبور است به چنین مانور-هایی دست بزند. گرچه از پیش معلوم است که این مانورها نیز هیچ نتیجه‌ای برای رژیم نخواهد داشت.

دو نامه از ایران

از صفحه ۸

از نظر صادرات و واردات اجناس هم دولت تا حدود زیادی دست تجار را باز گذاشته و الان نسبت به سالهای گذشته وجود اجناس خارجی در بازار چشمگیر تر است. از کرب با بسته بندهای آلمانی و سوئدی و انواع کسروهای خارجی گرفته تا آخرین مدل‌های لوازم الکترونیکی و کامپیوتری یافت میشود و حتی در فروشگاههای دولتی نیز توزیع می‌شوند. بقول معروف همه چیز هست فقط کمی گران است...

طرح شورای ملی مقاومت ایران در باره آزادی ها و حقوق زنان

شورای ملی مقاومت،

با تعظیم به جانبازیهای تحسین انگیز و مقاومت قراسوشی ناپذیر همه زنان مجاهد و مبارز این صیبه در برابر رژیم ضد بشری خمینی،

با اعتقاد به اینکه تبعیض علیه زن منافسی عدالت و حیثیات انسانی است،

با تاکید بر ضرورت " لغو و رفع کلیه ستم‌ها و اجازات و تبعیضات رژیم ارتجاعی خمینی در مورد زنان کشور " (۱)

با تاکید بر " تساوی کامل حقوق اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی زن و مرد " (۲)

در راستای " تامین کامل حقوق تمامی زنان کشور، فارغ از هر عدم تساوی و محدودیت بهره‌کشانه " (۳) که با رد هر نوع تلقی کالایسی از زن رهایی تاریخی مرد و زن ایرانی را در نظر دارد موارد زیرین را رهنمون و برنامه عمل دولت موقت جمهوری دمکراتیک اسلامی ایران می‌شاند:

- ۱- حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در تمامی گزینش‌ها و انتخابات و حق رای در تمام همه پرسش‌ها.
 - ۲- حق اشتغال و انتخاب آزادانه شغل و حق تصدی هر مقام، منصب و شغل عمومی و دولتی از جمله ریاست جمهوری و قضاوت در تمام مراجع و ادارات.
 - ۳- حق فعالیت سیاسی و اجتماعی آزادانه، رفت و آمد و مسافرت بدون نیاز به اجازه دیگری.
 - ۴- حق انتخاب آزادانه لباس و پوشش.
 - ۵- حق استفاده بدون تبعیض از کلیه امکانات آموزشی، تحصیلی، ورزشی و هنری و حق شرکت در تمام مسابقات ورزشی و فعالیت‌های هنری.
 - ۶- به رسمیت شناختن شکل‌های زن و حمایت از سازمانیابی داوطلبانه آنان در سراسر کشور. در نظر گرفتن امتیازات ویژه در زمینه‌های گوناگون اجتماعی، اداری، فرهنگی و بخصوص در امور آموزشی بمنظور رفع نابرابری و ستم مضاعف از زنان.
 - ۷- دریافت مزد مساوی با مردان در برابر کار مساوی. منع تبعیض در استخدام و بهنگام اشتغال.
- برخورداری یکسان از مزایای گوناگون از قبیل

مرخصی، حقوق باز نسیبگی و از کار افتادگی، دریافت حق اولاد و تاهل و بیمه بیکاری، برخورداری از حقوق و تسهیلات ویژه بهنگام بارداری و زایمان و نگهداری اطفال.

۸- آزادی کامل در گزینش همسر و ازدواج که تنها با رضایت طرفین صورت میگیرد و در نزد مقام قانونی به ثبت میرسد. ازدواج قبل از رسیدن به سن قانونی ممنوع است. در زندگی خانوادگی هرگونه اجبار و تحمیل به زن ممنوع است.

۹- حق مساوی طلاق، طلاق در مراجع صلاحیتدار قضایی صورت میگیرد. زن و مرد در ارائه دلیل برای طلاق برابریند. نحوه سرپرستی اطفال و تامین معیشت آنان و همچنین نحوه تسویه مالی ضمن حکم طلاق تعیین میشود.

۱۰- حمایت از زنان بیوه و مطلقه و اطفال تحت حفاظت و سرپرستی آنها از طریق نظام تأمین اجتماعی کشور.

۱۱- رفع نابرابری‌های حقوقی در زمینه شهادت ولایت، حضانت و ارث.

۱۲- چند همسری (تعدد زوجات) ممنوع است. در مواردیکه مصلحت بخصوصی در کار باشد ترتیبات مقتضی را قانون معین میکند.

۱۳- منع هر گونه بهره‌کشی جنسی از زن تحت هر عنوان و الفاظ کلیه رسوم و قوانین و مقرراتیکه بر طبق آنها پدر و مادر، ولی، قیم یا دیگری، دختر یا زنی را بمنعوان ازدواج یا هر عنوان دیگر برای تنمعه جنسی با بهره‌کشی به دیگران واگذار می‌کنند. طرح حاضر در يك مقدمه و سیزده ماده درجلاس مورخ ۲۸ فروردین ۱۳۶۶ شورای ملی مقاومت به اتفاق آرا به تصویب رسید.

محل امضاها

مسئول شورای ملی مقاومت ایران

مسعود رجوی



زیر نویس:

۱- ماده ۸ وظایف مبرم دولت موقت

۳- ماده ۱۰ برنامه دولت موقت و شورای ملی مقاومت

مدا فیین امام چه می‌گویند؟ از صفحه ۹

خباثت‌های بنان به انقلاب را توجیه کنید. شما فکر می‌کنید با این شعر و شعارها بتوانید خیانت‌هایی را که در حق مردم و انقلاب ایران کردید از یاد ببرید. شما اطمینان داشته باشید که تاریخ و خلقهای قهرمان ایران هیچگاه شما را نخواهند بخشید. پس در ابمهورت آقایان توده‌های ابتدا بروند و برونده سیاهشان از ۲۸ مرداد ۲۲ تا به اسرروز را بررسی و نقد نمایند و بعد بنیابند بقره درانی و شعار وحدت عمل برای نجات جان زندانیان سیاسی را سر بدهند. در آخر باید بگویم که همانطور که مردم بز درو دیوار می‌نوشتند: ننگ با رنگه پاک نخواهد شد.

حماسه مبارزه و مقاومت از صفحه ۲

ارتجاعی خمینی و نابودی امپریالیسم و ارتجاع و تحقق استقلال، صلح، آزادی و عدالت اجتماعی ستجلی میشود، تاکید می‌کنیم و تردیدی نداریم که تمام سلحانه توده‌های علیه رژیم خمینی و استقرار صلح و آزادی، مشت عوامفریبان اپورتونیست را هر چه بیشتر باز خواهد نمود نشان خواهد داد که راه مبارزه مسلحانه انقلابی علیه امپریالیسم و ارتجاع، که رفیق جزینی و همروماتش، از بنیان گذاران آن بودند، راه رهایی مردم ایرانست و آنان که علیه این راه شکوهمند، لجن پراکنی می‌کنند، عملا به دشمن مردم خدمت می‌کنند.

برخورد رژیم به تسلیم شدگان در کردستان

از صفحه ۱

در کردستان انبوهی نیرو در چندین هزار پایگاه نظامی وجود دارد و این خود نشانه بارزی از عظمت و توانایی جنبش ملی - دمکراتیک خلق کرد و بازوی مسلح آن یعنی پیشمرگان فداکارش می باشد. علی رغم حضور این تعداد نیرو و میلیتاریزه کردن تمام نقاط کردستان اعم از شهرها و روستاها هر روز دهها جوان پر شور و مبارز بمقوف پیشمرگان می پیوندند، اگر پیشمرگی شهید میشود، دهها نفر جای او را می گیرند، اگر عنصری تاب مقاومت در برابر سختیها را نمی آورد و سنگر مبارزه را ترک مینماید، دهها نفر سلاح رزم بر دوش می گیرند - مسلما تاریخ حماسه ها و فداکاریهای این انسانهای آزاده را برای همیشه در خود ثبت خواهد کرد - ضربات کوبنده پیشمرگان بر بیکر نیروهای رژیم و تسخیر اماکن استقرارشان همچنان ادامه دارد و هر زمان اوج تازه ای می گیرد - البته مبارزه آسان نیست ، هر کسی نمی تواند پیشمرگ شود و یا برای همیشه پیشمرگ باقی بماند - باید با گوشت و پوست و استخوان درک کرد که مبارزه خلق کرد، حق طلبانه است ، بایست عمیقا اعتقاد داشت که بدست آوردن آزادی و خود مختاری مستلزم تحمل سختیهای بسیار است - کسانی که از چنین اعتقاد و ایمانی برخوردار نباشند نمی توانند به صف پیشمرگان بپیوندند و یا اگر هم پیوسته اند دیری نخواهد گذشت که پیچ و خمها و شکستهای مقطعی مبارزه را تحمل نکرده و مبارزه را ترک خواهند نمود - و چه بسا به امر مبارزه هم خیانت کنند - در تاریخ نبرد مسلحانه کردستان ایران همیشه چنین افرادی وجود داشته اند - از دوران جمهوری مهاباد گرفته تا به امروز - از همان روزهای بعد از شکست جمهوری ، کسانی بودند که صف مبارزه را ترک کردند و به دامان رژیم پهلوی خزیدند ، یا نشستند و دست به کلاه خود گرفتند و یا خیانت نمودند و دست در دست مزدوران رژیم پهلوی به تعقیب مبارزین پرداختند - همچنین این گونه افراد در جنبش مسلحانه سالهای ۲۷ - ۱۳۴۶ نیز وجود داشتند ، پیشمرگانی چون ملا آواره و کساک اسماعیل شریفزاده بعد از منشاء مبارزه و فداکاری سرانجام در اثر خیانت کسانی که از مبارزه بریده بودند به شهادت رسیدند - اساسا تاریخ مبارزات تناسی خلقهای جهان با چنین افرادی روبرو پیوده است - جنبش کنونی کردستان هم مبری از چنین کسانی نیست - آزادی بودند که بهر دلیلی سلاح مبارزه بر دوش گرفتند ، اما چون از اعتقاد راسخی برخوردار نبوده و انگیزه شان تنها در حد ارضای تمایلات درونی شان بود ، بزودی خسته شدند و صف مبارزه را ترک کردند و خود را به رژیم خمینی تسلیم نمودند ، تعدادی به زندگی عادی پرداختند ، تعدادی هم سر از دامان رژیم در آوردند - اما وجود اینگونه انسانها نمی تواند مبارزه را لنگه دار کرده و حقانیت جنبش ملی - دمکراتیک خلق کرد را نفی کند ، ابعاد حماسی مبارزه مسلحانه خلق کرد آنقدر گسترده

است که وجود این مسائل نمی تواند اثری در آن بگذارد .

برای آشنایی بیشتر هم میهنانمان با این چریکها که به افراد " تسلیمی " موسوم گشته اند و رژیم برای تضعیف روحیه مردم هر از چند گاهی آنها را به صحنه می آورد ، ما آنها مورد بررسی قرار می دهیم .

کلاً کسانی را که در کردستان فعالیت سیاسی علیه رژیم کرده اند و سپس خود را به رژیم معرفی می کنند تسلیمی یا تسلیم شده می گویند - افراد تسلیمی بکدمت نیستند و می توان آنها را به دو دسته زیر تقسیم کرد .

۱- افرادی که بعد از تسلیم شدن ، به صفوف نیروهای رژیم می پیوندند و دوشادوش ارتش و سپاه پاسداران ارتجاع در سرکوب مبارزات مردم و مقابله با پیشمرگان شرکت می کنند (به این افراد جاش می گویند) در حد این افراد در سطح بسیار ناچیزی می باشد .

۲- عده ای که بعد از تسلیم شدن هیچگونه همکاری با رژیم نمی کنند و به زندگی عادی می پردازند ، بخشی از این عده مبارزه را نفی نمی کنند ولی معترفند که خودشان توانایی ادامه مبارزه را ندارند .

مسئله رسیدگی به امور این چریکات بخش اطلاعات سپاه پاسداران است که دارای دو مرکز در ارومیه و سنندج می باشد . تسلیمی ها در بخش اطلاعات سپاه پاسداران مورد بازجویی قرار می گیرند و باید اطلاعاتی را که در رابطه با نیروهای انقلابی دارند در اختیار رژیم بگذارند - واضح است که تسلیمی های گروه اول هر از چندی که می دانند رو می کنند ، اما افراد گروه دوم سعی می کنند بیشتر اطلاعات سوخته را رو کنند - بازوها اگر تحقیقات دهند فرد تسلیمی همه اطلاعاتش را داده وی را بیشتر نگاه می دارند - تسلیمی هایی هم که در نیروهای سیاسی مشغول بوده اند بازجویی بیشتری می شوند و غالباً آنها را به ارومیه و سنندج منتقل می کنند و از آنها محاجبه تلویزیونی و سخنرانی در اماکن عمومی مانند مدارس و مساجد می خواهند .

سوالاتی که از افراد تسلیمی می شود بستگی به وضعیتشان در سازمان یا گروه سیاسی مربوطه می باشد - از کسانی که در رده های پایین نیروهای موجود در کردستان هستند ، سوالات زیر می شود :

- الف: اسم ، فامیل ، نام سازمانی که در آن فعالیت می کرده .
- ۱- چند سال است که عضو سازمان یا حزب می باشید .
 - ۲- مسئولیتهای شما از بدو ورود به حزب یا سازمان مربوطه ، بطور اخص ؟
 - ۳- در چه عملیاتی شرکت کرده اید و چه پیروزی هایی بدست آورده اید ؟
 - ۴- اساسی فرماندهان عملیاتی در طول مدت فعالیت شما چه بوده ؟
 - ۵- نام کسانی را که در حزب یا سازمان شما پلیسی مخفی بوده اند و می شناسید یا ذکر اسامی و مسئولیت ها ذکر کنید .
 - ۶- نام افراد ساده که با نیروهای پلیس - مخفی در

رابطه بوده اند ، (منظور خیر چینی است) ؟

۷- مخفی گاهها و محل استراحت نیروهای ما (پلیسی مخفی)

۸- نام اسلحه هایی که در حزب یا سازمان مربوطه یا در بخشهای آن وجود دارد ؟

۹- محل تردد نیروها در چه نقاطی است ؟

۱۰- وضع جسمی و روحی نیروها ؟

از کسانی که در بخشهای تشکیلاتی ، مالی ، اجتماعی نیروها فعالیت کرده اند سوالات زیر می شود :

الف: نام و نام خانوادگی ، نام پدر ، شماره شناسنامه ، مدرک تحصیلی ، محل سکونت .

۱- فعالیت و پیوند شما از چه سالی با حزب یا سازمان مربوطه آغاز شد ؟

۲- مسئولیتهای شما از وقتی که علناً وارد حزب یا سازمان مربوطه شده اید چه بوده ؟

۳- مسئولیتها و صلاحیتهای ارگان مربوطه ای که شما در آن فعالیت می کرده اید ؟

۴- نام افرادی که با شما در ارگان مربوطه فعالیت می کردند ، با ذکر مسئولیتهای آنها .

۵- کلیه افرادی که با ارگان مربوطه به شما در روستاها و شهرهای مختلف ارتباط داشتند نام ببرید .

۶- وضع داخلی حزب یا سازمان مربوطه در رابطه با مسائلی چون تضادهای داخلی و علل آن ؟

۷- چه کسانی را تشکیلات شما اعدام کرده ، تمام و فامیل ، نحوه اعدام و مجریان اعدام را بنویسید .

۸- محل تردد نیروهای تشکیلات خود را با ذکر دقیق منطقه و محل نام ببرید .

۹- مخفی گاه اسلحه و مهمات را که شما اطلاع دارید بطور دقیق ذکر کنید .

۱۰- چه اطلاعاتی بپیرامون نفوذ حزب یا سازمان شما در ارگانهای دولتی دارید ؟ اساسی و مشخصات دقیق آنها را ذکر کنید .

۱۱- حساسیت حزب یا سازمان شما در رابطه با کدام سیاستهای حکومت در منطقه است ؟

۱۲- نظر حزب یا سازمان شما در باره سیاست سرساز کیری حکومت چیست ؟

۱۳- بیوکرافی افرادی را که در حزب یا سازمان خودتان می شناسید به ترتیب زیر ذکر کنید :

الف: نام و نام خانوادگی ، نام پدر ، محل سکونت (منظور سکونت قبلی است)

۱- نامبرده از چه سالی وارد تشکیلات شما شده است ؟

۲- نامبرده چه مسئولیتهایی داشته است ؟

۳- نامبرده از نظر اخلاقی چه نقاط ضعفی دارد ؟

۴- نامبرده در مورد حکومت چیست ؟

۵- آیا بنظر شما در نامبرده روحیه تسلیم شدن وجود دارد یا خیر ؟

۶- در مورد حزب بعث عراق چه نظری دارید ؟

۷- آیا بنظر شما در این شرایط که جنگ ایران و عراق وجود دارد ، پیوند با دولت عراق درست است یا نه ؟

۸- نظر شما در رابطه با حکومت چیست و نظرتان در صفحه ۹

پیروز باد مبارزه قهرمانانه خلق کرد برای آزادی و خود مختاری

ادبیات مقاومت

تاریخ و تازیانه

فریدون گیلانی

شعرهای زندان ۱۳۶۲

من نوشتم : تاریخ

تو نوشتی : تازیانه

ما نوشتیم که این حدیث را به کجای تاریخ نف کنیم

تو گفتی : دیوان شرقی ما

جایی برای زباله ندارد

زهر گفت : دوستت دارم

گفتم که حیثیت انعقاد صبح را زیر آتش گرفته اند

دخترم گفت برایم اسباب بازی بخر

گفتم که آسمان بتض کرده است

پدرم گفت : خودت را خلاص کن !

گفتم :

بیشهه را باران زنده می کند پدر

کوهها را برف به جوانی می کشد

خُتن گفت : بادبادک

گفتم دکان ها فقط کابل و کبریت می فروشند دختر

چترت را باز کن که خیس نشوی

باران بی امانی گرفته است

دستم را دراز کردم که یعنی سلام

دستت را دراز کردی که یعنی شب ضخیم است

من و تو

به سینه آسمان نوشتیم که حراسان

ستاره را نشانه گرفتند که شب به دو نیمه شد

سهتاب را صدا زدیم ما

زبانهای تاریکی

کوچههای سحر را آواز داد

ستاره شدم من و تو که با آفتاب آشتی کنیم

هباهوی پاسدار شب به توطئه های

تتغی خورشید را به گلوله بست

من گفتم غرامت

تو گفتی شلیک

من گفتم فردا

تو گفتی امروز

ما گفتیم که سرانجام شب می میرد

تو میدانی که تازیانه طعم تلخی دارد دختر

من که میدانم که ملاقات آسمان آسان نیست

به من از گرانی آدمیزادگان خبری نده

نامهات را خلاصه کن که باران

چگونه می بارد

به من بنویس که تازیانهی زندان

در کوچههای شهر صدایی دارد یا نه

من از تو دور ماندم

تو از من دور ماندی

ما کوچه باغ را صدا زدیم

که شکنجهی بچهها یادمان نرود

تو گفتی پرواز

من گفتم جنگل

ما گفتیم درها هنوز هم زندان را به خواب می بینند

پرندهای درخت را آواز داد

که هجوم تازیانه را به صدای بلند بشمارد

من از پنجره های کوچک دنیا را متر می کردم

تو می نوشتی که پرندگان را با زنجیر به -

- زمین بسته اند

من و تو آسمان را به زبان آزادی شعر می کردیم

تو نوشتی شب

من نوشتم صبح که هم بند بی فرارم از آفتاب خیری -

- بگیرد

تو می گفتی : سلام پدر جان

تنهایی سخت است

من از خرابی دیوارهای زندان -

- می گفتم

که آسمان دوباره بغض کند

کلمه را دور هم چیدیم

ازدها از آب در آمد

کلمه را از هم باز کردیم

بلند بند حرف هایش از استخوان -

- فلات شرق بود

شب را نشانه گرفتیم

به سینهی روز خورد

مادرم گفت :

دیوار خانه را دو باره بسازیم

گفتم این بادهای موسمی سخت

با بوی نان دو باره به خاکش می مالند

کتاب دوم قدیم را باز کردیم

مردی بود که هنوز داشت زیر باران می رفت

سرفت و می رفت و اسبش خاکستر می شد

من گفتم : عشق

خُتن گفت : کفش

گفتم که بابا دیگر نان نمی دهد دختر

روی دیوار نوشتیم :

زنده باد شعار !!

روی دیوار نوشتیم شب

روی دیوار نوشتیم روز

برگشتیم

دیدیم جنگل و حریق دست و گریبانند

ما فریاد زدیم

ستارهها شهید شدند

برگهها هجوم بردند به شب

که گلغلهی گرگبایت را مهابت کن

ما رکاب می زدیم

اسب چموشی می کرد

ما شلاق می خوردیم

اسب شیبه می کشید

من شکار شدم

تو شکار شدی

ما شکار شدیم

من نوشتم سوسک که دخترم بترسد

دخترم نوشت که سلطان سوسکها را هر روز

در کوچههای جنوب شهر می بیند

من و او با هم نوشتیم :

جنگه شیشه و عکس، شمایل شاه مردان -

- نیست

من حصار شدم

تو حصار شدی

ما حصار شدیم

مردی در باران می رفت

سواری در جنگل

به هیبت و بی باک می تاخت

تیری در کوچه شلیک ند

یک را تا سیزده شعر دیم

در پویش سهند آمد

به نحوست در آمدم

تو دیوار شدی

ما دیوار شدیم

زیر آوازی که تعریف ما بود

من نوشتم عشق

تو نوشتی لغت

ما نوشتیم :

شب ها هنوز هم گهگا باران می کنند

خُتن نوشت : بند دو صفر نه

پدر جان ا

اسم را نوشتم

از فردا سرود می خوانیم

معلم گفت :

بالا نبرود که

نان باغافهی کابل میدهد بابا

روستای ما پر بود از اسبهای افسار گسیخته

شهر را

خیل آدمیانی که اول مازیک بودند و بعد مدادپاک کن،

برداشته بود

خُتن نوشت :

از زندان که آمدی برایم مازیک بخر

خُتن نوشت :

از ملاقات که برمی گشتم

هیولایی گفت : بگو مرگ بر امریکا

گفتم

گفت : بگو مرگ بر پدرم

نگفتم

کتکم زد

آمدی بیرون برایم تفنگ بادی بخر

من نوشتم باغ

تو نوشتی باران

به دخترم نوشتم

این بار به هیولا بگو کمرش را سفت تر ببندد

که باد تنیانش را نبرد !

در پای تو زنجیر بود

در پای من شیار در شیار -

- جای شلاق

در صفحه ۸

ادبیات مقاومت

از صفحه ۷

تو

ملوانی را آواز میدادی

ملوانی مرا

تو دریایی را به اعتبار طوفان به طاق می توانستی زد
تو شکوفه های به گل در آمده را سلام میدادی
شکوفه ها تو را از من می جستند

من

تمام تو بودم ای اسارتِ نا تمام

تو تیر بودی

من آشیانه ی سال پیش

من از طوایفِ مظلوم شرق می گفتم

که فلائی بلند را در شباهتند

تو از تپانچه ی مفلوکی می گفستی که

با هست پدر بزرگت شاید

در یادگار پستوی خانه

هوای مسموم می خورد

من و تو به دیوار نوشتیم

بکروز جنگل پیری خود

بگیا رچه تیر شد

بچه ها روی تختی سیاه می نوشتند:

مرگ بر جنگل بانی که خود جامه ی گرگان به -

- بر دارد

من نوشتم بر خورد

تو نوشتی ترویر

ما نوشتیم:

درس اسما را خوب خوانده ایم

همین معادله باید تا آخر -

- باقی باشد؟

من فریب خوردم

تو فریب خوردی

ما فریب خوردیم

مدرسه ها فریاد شدند

دانشکده ها صلیب شدند

شاخه ها را باد شکست

خُتن هنوز داشت به دیوار مدرسه می نوشت:

یادتان نرود که نان باضافه ی کابل میدهد بابا

پدرم

از غصه پوک شده بود

هر روز پای پنجره می ایستاد

به صدای پای هر اسی دل می باخت

که مگر سواری در آمده باشد

با کمائی و تبری در چله

پدرم سرسام شده بود

من تهیب میزدم

ما به دیوار می نوشتیم:

گاه آدمیان را آب می بلعد

گاه دریایی از هیولا

و گاه است که آدمیان چنان بر حرامیان تاخت آورند

که زمانشان به لگنت در آید و "شین" را " شهاد" -

- بخوانند



مادرم

از این سوی باغ تا آن سو

تمامی تقدیر را در می نوشت

یعنی که

می شود این باغ را دوباره پسر از -

- گل دید

روی واگن ها نوشته بود:

اسلحه ! - ساخت پانیز!

قطار

مثل همیشه از کنار باغ می گذشت

به مادر که می رسید

ایستار می گریست



من می نویسم: پلک !

تو می نویسی: دو !!

ما می نویسیم: سه !!!

و چه خبری تو می داریم

که استوای عدد را به آسانی در نورسیم

من می گویم: صف

به زبانی که نسیم را به وسوسه آورد

تو می نویسی: نان

به زبانی که آدمیان را به سینه نشیند

من می گویم سلام

تو می نویسی آزادی

ما می خوانیم:

چیزی را با طناب سبز دار زده اند

تو می نویسی آب

به باد سواری که هنوز در جنگل میرفت

من می نویسم کابل

که نمره ی پایم به تازبانه عادت کند

ما می نویسیم:

نانوا خودش را دار زد



دیوار که فرو ریخت

آن سوی حره های زخمین

گرگ ها را می بینی

که پای دریایی از شعرو استخوان -

- آدمیان ترکیده اند



من به عشق می رسم

تو به من میرسی

ما به هم می رسم

رهگذری به دیوار شکسته می نویسد:

من شکار شدم

تو شکار شدی

ما شکار شدیم

.....

فریدون گیلانی

دو نامه از ایران

از صفحه ۱۲

کلی تخریب گردیده است. آخرین آمار کشته شدگان ۱۷۰ نفر بوده است. بلافاصله بعد از بمبارانها صدای آژیر آمبولانسها و گشتی های کمیته ها و شهربانی و کلانتریها در سطح شهر شنیده میشود که مردم را از نزدیک شدن به محل های بمباران شده بر حذر داشته و مانع ورود آنها میشوند. مناطقی

بمباران شده فوراً بوسیله افراد مذکور اطراف آن محاصره می گردد و واحدهای آتش نشانی که به حالت آماده باش در آمده اند سریعاً به محل فرستاده میشوند. رسانه های گروهی مردم را دعوت به آرامش و خونسردی می نمایند و به فاصله کمی بعد از بمبارانها بلدوزهای شهرداری مشغول به کار شده و مناطق فوق را مسطح می کنند تا مردم از شدت و وسعت مناطق خراب شده اطلاعی پیدا نکنند. پلک ساعت بعد از ساعت ۱۹/۴۰ دقیقه ۲۴ بهمن که مناطقی مسکونی آرماسهر بمباران گردید حدود ۲۵۰ نفر از مردم محل به خیابانها آمده و شعار (ما جنبه نمی خواهیم) را سر دادند بلافاصله این تظاهرات به وسیله عناصر کمیته مهار شد ولی اقدام به تیراندازی نشد، زیرا مردم به اندازه های خشمگین و عصبی بودند که در صورت هر اقدامی وضع وخیم تر می گردید. افراد حاضر در آن تظاهرات می گویند اوباشان کمیته های مردم را دعوت به آرایش و بازگشت به خانه ها می نمودند. رسانه های گروهی رژیم در مورد بمباران روز ۲۵ بهمن ساعت ۶ صبح صحبتی نکرده اند و ادعا نمودند بمباران هوایی توسط هواپیماهای عراقی صورت نگرفته و فقط دیوار صوتی را بر فراز شهر شکسته است. ساعت ۶ صبح روز ۲۵ بهمن شهر تبریز مورد حمله هواپیماهای عراقی قرار گرفت که ۳ نقطه مسکونی آن شدیداً آسیب دیده است. در این محلات ۲۵ واحد مسکونی و ۱۸ مغازه و واحد تجاری و چند دستگاه اتومبیل تخریب گردید. ۰۰۰۰۰

باز هم سالی دگر گذشت و باز هم کلاف سر درگم جنگ باز نشد. بر طبق وعده های دولت قرار بود که در سال جاری کار جنگ یکسره شود ولی همین چند روز پیش بود که موسوی بدون اشاره به وعده های گذشته جنگ را برای مدتی نامعلوم تمدید کرد. جای شگوش باقی است که حداقل جنگ شهرها متوقف شده است. چونکه اغماص همه را ناراحت کرده بود. بمبارانهای اخیر به استثناء تهران بسیار شدیدتر از دوره قبلی بود و اهداف حملات هوایی اکثر مناطق پر سکونت بخصوص مدارس و مراکز آموزشی بود. ۰۰۰۰۰

و بعد از آن تبلیغات زیادی روی ساختمان پناهگاهها شد که به غیر از سوار معدودی جنبه فرمالیته پیدا کرد و بیشتر برای بردن بقول خودشان " فرهنگ جنگ" به میان مردم و استفاده از وضعیت موجود بود.

در صفحه ۵

در تکثیر و توزیع
آثار سازمان
بکوشید

مدافعین امام چه می‌گویند؟

یکی از مطالب بسیار موجود در نشریه ناسه مردم ارگان کمیته مرکزی حزب توده که زیاد به چشم می‌خورد و حتی یکی از شعارهای روز این باصطلاح حزب شده است، مسئله زندانیان سیاسی و خواستار آزاد شدن آنهاست. اما بد نیست نگاهی نه چندان دور به تاریخچه این حزب بیاندازیم تا دریابیم که آیا این همه ورق سیاه کردنها در وصف زندانیان و اسرا تا چه حد درست و صحت دارد. همانطور که می‌دانیم حزب توده در شرایطی که رژیم خمینی بطور وسیع نیروهای انقلابی را دنبال می‌کرد و در صدد دستگیری آنها بود، بارها نیروهای نظامی حزب توده از رهبران خود در این رابطه کتب تکلیف کردند، در جواب برهبری حزب توده با شعار اینکه، نگه‌داران نیامید، تعداد دستگیر شدگان هر چه بیشتر باشد مجازات کمتر خواهد بود! عده زیادی از نیروهای خود را در دست تقدیم رژیم خمینی کردند. این تقدیم کردنها تا جایی رسید که حتی خود حزب توده برای خورش خدمتی بیشتر فهرست کامل اعضای رهبری و مشخصات و آدرس کامل آنان را نیز به وزارتخانه رژیم داد.

حال چه شده است که آقایان اینقدر اشک تسلیح برای زندانیان سیاسی می‌ریزند، آن جواب دهنروشان به نیروهایشان چه بود و امروز چرا اینقدر در بند دنبال حمایت های بین المللی هستند و خواستار وحدت عمل برای نجات جان زندانیان سیاسی می‌باشند؟ حزب توده بادش رفتن در شرایطی که تمام و کمال در خدمت اهداف ارتجاعی و ضد خلقی جمهوری اسلامی قرار گرفته بود، همان رژیمی که حزب توده آب به آسایش می‌ریخت، در زندانباش رزندگان خلق را به جوخه اعدام می‌برد؟ و هزاران تن از فرزندان این مرز و بوم را بخاطر عقایدشان قتل عام می‌کرد؟ نکند حزب توده، اکنون ادعا می‌کند که از این جریانها بی خبر بوده است؟! حال برای اینکه بی اساس بودن ادعای حزب توده را نشان دهیم، لازم می‌بینیم یک قسمت از خدمات رژیم خمینی به حزب توده را بیان بداریم. در سال ۵۸ در شهر خرم آباد حزب توده یک نفر را برای مجلس بعنوان کاندید معرفی نمود. در اواخر سال ۵۹ بود که همین کاندید حزب توده که مصطفی بختی نام داشت توسط جماعتداران خمینی به رگبار بسته و کشته شد. زهران حزب توده در برابر این عمل ناجوانمردانه و ضد انقلابی سکوت اختیار کردند و آنرا یک حادثه نامیدند. پس در اینجا باید گفت که حزب توده نیز از همان اول در این جریانها که بر سازمانها و گروههای مخالف رژیم گذشته، بی تعیب تپسوده است. اما هیئات که حزب توده بجز خیانت به انقلاب و مردم رسالت دیگری برای خود قائل نیست، خلقهای ایران فراموش نخواهند کرد، هنگامی که رهبری حزب توده، آقای کیانوری بگفته خود توده‌ایها: همیشه از مدافعین استوار روحانیست و سلطانان مبارز پیرو خط امام خمینی بوده است. حال باید پرسید، آقایان طرفداران امام چه شده است که الان اینقدر به درو دیوار می‌گویند تا این

"حکمت" یک اعلامیه

اخیرا اعلامیه‌ای به امضا "علی اصغر حاج سید جوادی" با عنوان "تحلیلی از ناسزا گوئی مجاهد" در پاریس پخش شده است. اینکه آدم عمیقاً محافظه کاری مثل "حاج سید جوادی" در شرایط کنونی اینگونه سریع و بی پرده علیه مجاهدین خلق موضع گیری می‌کند و اینکه در این موضع گیری وقیحانه و سراسر تحریک و تناقض، باز هم مسائله به اصطلاح دفاع از "دموکراسی" از طرف نویسنده اعلامیه مطرح میشود، یک امر تماشایی نیست. نباید فراموش کرد که نویسنده اعلامیه از آن دسته افرادی بوده که در سال ۶۰، از مجاهدین خلق حمایت می‌کرد تا شاید بتواند نظرات خود را بر آنان تحمیل کند. وی در سال ۶۳ از حقوق "دموکراتیک" سلطنت طلبان برای تعرض به حقوق دموکراتیک نیروهای انقلابی در سیمه پاریس دفاع کرده و البته در بهار سال ۶۵ هنگامیکه حقوق دموکراتیک مجاهدین خلق به انحاء مختلف مورد تعرض قرار می‌گرفت، سکوت مطلق نموده بود. البته برای نویسنده اعلامیه همیشه بهانه برای موضع گیری وجود داشته است، اما "حکمتی" که وی همواره از آن پیروی می‌کرد در این آخری بنحو بارزی نمایان است. او از زمره آن نیروهایی است که هم با پیشرفت انقلاب رهایی بخش عمیقاً ضدیت ورزیده و هم بر این اعتقاد بوده که هر مسائلی در ایران باید با ملاحظه "غرب" و بطور مشخص امپریالیسم آمریکا حل شود. بنا بر این همینایی این اعلامیه با موضع گیری ویرانه آمیز و خارج امریکا علیه مجاهدین خلق اصلاً تخطایی نیست.

برخورد رژیم به تسلیم شدگان ... از صفحه ۴

در مورد تسلیم شدن چه بود؟
۱۷- شکل تشکیلاتی شما و شاخه‌های آن | شانه‌ها و شانه بندی | چگونه بود؟
همچنانکه در بالا ذکر کردیم اگر مسئولین اطلاعات تشخیص دهند که "تسلیمی" اطلاعاتش را در اختیارشان گذاشته، بعد از اتمام بازجویی که حداقل ۲ روز طول می‌کشد، وی را آزاد می‌کنند و اگر هم در "مذاقتش" شک کنند گاها تا ۲ الی ۳ ماه او را نگاه می‌دارند. و یا به ارومیه و سنندج منتقل می‌کنند. در طول دوران بازجویی غالباً افراد تسلیمی را در سلولهای انفرادی بازداشتگاهها نگاه می‌دارند. ۶ ماه بعد از آزاد شدن به آنها امان نامه موقت عکس دار می‌دهند تا بعنوان کارت شناسایی در اختیار داشته باشند.

بطور متوسط هر سه ماه یکبار، همینکاری از طرف "ستاد نوابین" در مراکز استانها (ارومیه - سنندج) برگزار می‌شود که باید همه تسلیمی‌ها در آن شرکت کنند. البته غذای (از گروه دوم تسلیمی‌ها) سعی می‌کنند به بهانه‌های مختلف از شرکت در این سمینارها امتناع ورزند. در این سمینارها کسانی که مسئول بوده و تسلیم شده‌اند باید سخنرانی کرده و گذشته خود را نقد کنند (اظهار ندامت نمایند) بعد از خاتمه سمینار هم باید همه تسلیمی‌ها در راهپیمایی شرکت کرده و علیه

زیرا علاوه بر نویسنده اعلامیه و همپالگی های دور و نزدیکش، رادیو اسرائیل هم این روزها دلبش برای "وطن" و "دموکراسی" بسیار می‌سوزد و از "انحمار طلسمی" مجاهدین خلق بسیار ناله می‌دهد. وقتی برکات چنگه ضد مردمی خمینی برای امپریالیسم آمریکا و اسرائیل معنی "وطن" و "دموکراسی" بدهد، مبارزه برای صلح و آزادی از طرف مجاهدین خلق هم حتما و صد البته معنی "انحمار طلسمی" و "ترویسیم" میدهد. آقای علی اصغر حاج سید جوادی با آن حس "یو"هایی قوی که دارد، حتما معنی موضع گیری وزارت امور خارجه آمریکا، و موضع گیری های اخیر رادیو اسرائیل را خوب درک کرده و "یو"هایی شنیده است، که اینگونه بی محابا به مقاومت انقلابی ایران برای صلح و آزادی، چنگ و دندان می‌کشد و لجن پراکنی می‌کند. اما از بد حادثه برای نویسنده اعلامیه، مقاومت انقلابی ایران برای صلح و آزادی با اتکنا، به مبارزه سلححانه انقلابی و رهایی بخش که وی آنرا "شکست" خورده اعلام می‌کند، استوار و پر شکوه پیش می‌رود و سر منشاه همین این "یو"ها یعنی لجن زار رژیم خمینی را با خون فرزندان جان بر کف مردم محروم و ستمدیده ایران، خشک و نابود خواهد کرد. در این شرایط انقلابی اگر آقای علی اصغر حاج سید جوادی بجای بهانه جویی نظرات خود را سریع و روشن بیان می‌کرد، می‌توانستیم با او بمثابه یکی از نمایندگان تفکرات رفرمیستی برخورد کنیم. اما وقتی وی عوامفریبانه خود را در پس جملات پر طعنراقی مخفی می‌کند، باید او را یک وقیح فرومایه نامید.

نیروهای انقلابی شعار سر دهند.

هدف رژیم از این صحنه سازها مشخص است، رژیم با دست داشتن این افراد از سویی می‌خواهد باصطلاح حقانیت خود را ثابت کند و از سوی دیگر بر روحیه پیشمرگان و مردم کردستان تاثیر منفی بگذارد. (زهی خیال باطل) دیگر نمی‌دانند او لا حقانیت یا عدم حقانیتش برای مردم کردستان زمانی به اثبات رسید که هدیه اولین بهار آزادی (نوروز ۵۸) برایشان توپ و خمپاره بود و در ثانی این قانون تمام جنبشهای رهایی بخش و انقلابات است که اگر متزلزلین در جای خود قرار بگیرند برای مبارزه سودمندتر خواهد بود، تا اینکه در جایی که انسانهای پیگیر و آزاده باید باشند. بنابر این به نمایش گذاشتن عده‌ای تسلیمی، بریده از مبارزه نمی‌تواند در عزم آهنگین پیشمرگان قهرمان کردستان خللی وارد کند، رود خروشان مبارزه خارو خاشاکهای سر راه را هر لحظه به کنار می‌راند و چه بسیار سودهایی که در اثر این کارزدنبا حاصل میشود.

برخورد مردم کردستان به افراد تسلیمی

به جرات می‌توان گفت که تسلیمی‌ها در میان مردم کردستان جایی ندارند. مردمی که در طول این چند سال هزاران رنج و سختی و فشار جسمی و روحی را متحمل شده‌اند. هزاران فرزند دلاورشان را تقدیم مبارزه کرده‌اند و تمامی مشکلات و دسروری و زندان و شکنجه و تبعید را به اسید فرا رسیدن بهاران

اعتصاب غذای زندانیان شیلی

ترجمه از نشریات اپوزیسیون شیلی

از ۲۵ فوریه ۱۹۸۷ گروهی از زندانیان سیاسی شیلی بعنوان اعتراض به شرایط غیر انسانی زندان ها و عدم وجود محاکمات عادلانه دست به اعتصاب غذا زده اند. در میان اعتصابیون تعدادی از افرادی که رژیم آنها را متهم به سوء قصد سپتامبر ۱۹۸۶ علیه چنان دیکتاتور شیلی " ژنرال پینوشه " کرده است نیز دیده می شوند.

زندانیان و خانواده های آنها به اطلاع جمعیت حقوق بشر رسانده اند که آنها بوسیله نیروهای نظامی سورد انواع تهدید و شکنجه و تجاوز قرار گرفته اند و علیرغم احتیاج مبرم برخی از زندانیان به مراقبت های پزشکی و دارو از چنین امکاناتی محروم هستند. همچنین تعداد کثیری از زندانیان از تماس با دیگران و ملاقات با خانواده های خود و نیز داروهای که قبلا بعلت بیماری مصرف می کرده اند محروم گشته اند.

محاکمات زندانیان در دادگاههای نظامی که تحت کنترل دیکتاتور ژنرال پینوشه است انجام می گیرد. یکی از زندانیان یکی از عوامل شکنجه خود را که بعنوان معاون دادستان در دادگاه حاضر بوده شناسایی کرده است.

درخواست های زندانیان شرح زیر می باشد:

- ۱- جدا کردن زندانیان سیاسی از سایر زندانیان عادی و جنایی
 - ۲- برداشته شدن محدودیت و ممنوعیت ملاقات
 - ۳- انجام محاکمات بوسیله دادگاههای عمومی بی طرف بر طبق قوانین بین المللی
- در این مورد اطلاعیه هایی بوسیله انجمن ها و گروه -

برخی از رویدادهای ... از صفحه ۱۲

۲۸ مارس ۱۸۶۸ - تولد ماکسیم گورکی، نویسنده بزرگ

۹ آوریل ۱۹۴۸ - قتل عام وحشیانه مردم فلسطین در روستای " دیر یاسین" توسط صهیونیستها

۱۱ آوریل ۱۹۱۹ - ترور امپلیانو زاپاتا رهبر جنبش دهقانی در مکزیک

۱۵ آوریل ۱۹۶۱ - هجوم آمریکا به گویا درخلیج خوکها

۲۱ مارس روز بین المللی مبارزه علیه تبعیض نژادی

۱۹۵۸ - خروج عراق از پیمان ستو

۱۹۱۹ - تشکیل نخستین کنفرانس انترناسیونال سوم

۱۸۷۱ - تشکیل کمون پاریس

۱۹۶۸ - ترور وحشیانه مارتین لوتر کینگ از رهبران جنبش سیاهپوستان آمریکا

۱۹۸۰ - روز استقلال زیمبابوه

۱۹۸۰ - روز استقلال زیمبابوه

۱۹۸۰ - روز استقلال زیمبابوه

۱۹۸۰ - روز استقلال زیمبابوه

۱۹۸۰ - روز استقلال زیمبابوه

۱۹۸۰ - روز استقلال زیمبابوه

۱۹۸۰ - روز استقلال زیمبابوه

۱۹۸۰ - روز استقلال زیمبابوه

۱۹۸۰ - روز استقلال زیمبابوه

۱۹۸۰ - روز استقلال زیمبابوه

۱۹۸۰ - روز استقلال زیمبابوه

۱۹۸۰ - روز استقلال زیمبابوه

۱۹۸۰ - روز استقلال زیمبابوه

۱۹۸۰ - روز استقلال زیمبابوه

۱۹۸۰ - روز استقلال زیمبابوه

۱۹۸۰ - روز استقلال زیمبابوه

۱۹۸۰ - روز استقلال زیمبابوه

۱۹۸۰ - روز استقلال زیمبابوه

۱۹۸۰ - روز استقلال زیمبابوه

برخورد رژیم به ...

آزادی پشت سر گذاشته اند و چشم امیدشان به پیشمرگان خود بوده، چگونه می توانند افرادی را بپذیرند که به امر مبارزه پشت کرده و با خیانت کرده اند، کسی برایشان ارزشی قائل نیست. کمتر کسی با ایشان ارتباط دارد. اصولا نزد مردم هرگونه تماسی با افراد نسلیمی بخصوص افرادی که تا اندازه ای شناخته شده باشند، مثلاً در زمانی که فعالیت سیاسی داشته، فرد مسئولی بوده باشد نوعی تائید رژیم محسوب می شود و از این رو در میان توده ها در انزوای کامل بسر می برند. این وضعیت برای نسلیمی هایی که تنگ " جاش " شدن را قبول کرده اند مسئله چندان نیست، اما برای افرادی که حداقل حقانیت مبارزه خلق کرد را نفی نمی کنند بسیار عذاب آور است. بهمین دلیل کسانی که تحمل این عذاب سخت را نمی آورند و نزد خود و خلفشان شرمندند، این بار با غمی استوار به صف مبارزه برمی گردند و اشتباهات گذشته شان را با فداکاری و نثار خون خود جبران می کنند. طی یکسال گذشته تعداد زیادی از این افراد دوباره داوطلب پیوستن به صف نیروهای پیشمرگه شده اند و حتی تعدادی از ایشان در صف با مزدوران رژیم جان خود را فدا کرده اند.

بورجه در خدمت جنگ

رژیم جنگ افروز خمینی در حالیکه بعلت کاهش بهای نفت و بمباران پایانه ها و کشتی های نفتکش با کمبود در آمد ارزی قابل توجهی روبرو است، در تقظیم بودجه جاری، بخش عظیمی را به جنگ خانمانسوز با عراق اختصاص داده است. لذا بودجه سال جاری طوری تنظیم شده که میزان در آمد از محل فروش نفت ۸۶۰ میلیارد ریال و میزان در آمد دولت از محل مالیاتها در سال جاری را ۱۱۴۰ میلیارد ریال بیش بینی شده است و این نشان می دهد که فشار اصلی تامین در آمد دولت بر دوش مردم زحمتکش خواهد بود.

در رابطه با اختصاص بخش قابل توجه بودجه به جنگ ارتجاعی، عبدالله نوری رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس ارتجاع در مناخه با خبرنگار رادیو رژیم می گوید: " در بودجه جاری از آنچه که دولت داده بود به مجلس تا آن چیزی که مصوب مجلس شد ۲۷۰ میلیارد ریال اضافه اعتبار در رابطه با جنگ داریم، و همچنین در رابطه با عمرانی هم ما حدود ۵۸ میلیارد ریال اعتبار اضافی در نظر گرفتیم که در رابطه با پناهگاه سازی، بازسازی و پدافند غیر عامل و طرحهای ضروری مورد نیاز جنگ مصرف بشه ۰۰۰۰ کمیسیون بودجه و مجلس شورای اسلامی هم با حرکتی که در رابطه با اعتبارات ربانی و همچنین اعتبارات ارزی بخش دفاع و جنگ در نظر گرفت اینکار را انجام داد. لذا شما در اعتبارات ارزی هم می بینید که ۲ میلیارد دلاری که پیشنه های دولت بود را به ۲/۸ میلیارد دلار افزایش داد. که امیدواریم انشالله خود این یک حرکتی باشد در جهت آسان سازی حرکتیایی که در ادامه جنگ داریم"

چرا راه کارگر از مقاومت

انقلابی کارگران می ترسد از صفحه ۳

میشود، مبارزه برای سرنگونی رژیم خمینی از طریق قیام مسلحانه مردمی (یا به اصطلاح راه کارگر عملیات تروریستی) است. اما مسأله ای که از ابداعات راه کارگر است، اینست که راه کارگر مدعی میشود که اکنونیمیم از مبارزه انقلابی و مسلحانه برای سرنگونی رژیم خمینی مترقی تر است. حتما این تر بسیار بدیع، در "توضیح المسائل" فقهای راه کارگر تشریح شده است. راه کارگر از این جهت به "نز" اخیر متوسل میشود که بتواند "انقلاب" خود را نظریزه کند، زیرا جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان و تمامی خلق برای سرنگونی رژیم خمینی از طریق قیام مسلحانه مردمی دنیای خواب آلود و راکد راه کارگر را بهم خواهد ریخت.

و حخت راه کارگر از مبارزه سیاسی کارگران درست بخاطر همین موضوع است. بیچیت نیست که راه کارگر اینهمه کاغذ برای تئوریزه کردن سیاست اکتونومیستی ات سیاه می کند. این نکته را نیز نباید از یاد برد که جنب و جوش اخیر راه کارگر و صادر کردن پشت سرهم، قطعنامه و "توضیح" نامه

صهدی سامع

این منطقه هنوز بقول معروف در خواب است و تحرك چندانی ندارد، پس می‌بایستی در اولین فرصت پس از استقرار و شناسایی، پشت سرهم چندین عملیات ضربتی انجام دهیم و از این طریق می‌توانستیم نیروهای رژیم را در دلبره و در حالت تدافعی قرار دهیم. ما پس از برداشتن سلاحها و تجهیزات با مقداری آذوقه پس از ۲ روز وارد جنگل شمیم مجوسا نگر بودیم که قرار بود چند روز دیگر يك نفر از شهر که ارتباطش با سازمان قطع شده بود بما پیبوند ما نمی‌بایستی منتظر آن يك نفر می‌شدیم. زیرا که با توجه به غیر بومی بودن او و آموزش و آدابته کردن او با محیط جنگل، مستلزم صرف انرژی و وقت زیادی از طرف ما بود. عامل زمان قبل از عملیات نقش تعیین کننده‌ای در بقاء افراد جنگل دارد. ما اگر در مرحله شناسایی و غیره وقت زیادی صرف می‌کردیم خواه نا خواه باعث لو رفتن وجود ما در آن نواحی می‌گشت و این خود با توجه به این که رژیم از نیروی انسانی و امکانات بیشتری برخوردار است موجب ضربه یا حداقل به محدود شدن فعالیت ما میشود. پس از يك هفته شناسایی و همچنین آشنایی و سنجش توان افراد اولین طرح عملیاتی را که شامل گشت و کمین در جاده اسفالت ... بود به بحث گذاشتیم. البته چندین طرح عملیاتی از بالا گرفته بودیم و چند طرح اقدام انقلابی افراد مزدور که می‌بایستی در مراحل بعد به سورد اجرا در می‌آمد. گفته شده بود که در ساعت‌های مشخص ماشینیهای گشت سپاه در آن منطقه به تردد مشغول میشوند. ما طبق آشنایی قبلی با منطقه طرح ریز عملیات را ریختیم و قرار شد من و یکی دیگر از افراد برای ممانده ماشین به داخل شهر رفته و پس از ممانده با ماشین به روستای محل توقف بقیه افراد در کوهپایه برگردیم. من و د به داخل شهر ... رفتم، هر دو مسلح به کلت ۱۴ خور و نارنجک بودیم. از قبل قرار گذاشته بودیم که نباید حرکات ما غیر عادی باشد. مثلاً نباید تندتر از بقیه افراد در حال تردد راه برویم و نباید زیاد به ویتربینها نگاه کنیم. زیرا که اینها شخص می‌کند که ما خیلی وقت است که شهر را ندیده‌ایم. خلاصه از طریق ماشین گرایه وارد شهر شدیم در يك نقطه خلوت شهر راننده يك ماشین را مجبور به توقف کردیم پس از معرفی خودمان درخواست همکاری و دادن ماشین را کردیم. راننده ماشین ابتدا خیلی ترسیده بود ولی پس از چند لحظه گفت: قربان شما هستم فقط قول بدهید ماشینم را سالم تحویل بدهید. ما قول دادیم و او را مطلع کردیم که اگر مسئله‌ای برای ماشینش پیش بیاید، تمام پولش را به او میدهیم. شماره تلفن راننده را گرفتیم و از آن منطقه دور شدیم پس از ۲۰ دقیقه به روستای مجاور شهر که بقیه افراد در آنجا بودند رفتیم. پس از سوار کردن بقیه افراد بجز ۲ نفر که در روستا ماندند به جاده برگشتیم همه لباس فرم پوشیده بودیم.

ادامه دارد*

۷۷ بود که کماندوهای آموزش دیده زمان شاه — سر توانایی و قدرت عملشان افزوده بود. آنها جرات می‌کردند وارد جنگل بشوند و به گشت زدن بپردازند البته این نیرو پس از ضرباتی که بر واحدهای نظامی ارتش رهایی بخش خلقهای ایران وارد آمده به قول معروف پر رو شده بودند. قبل از آن بعلت ذهنیتی که به توان و نفرات نیروهای جنگل داشتند زیاده وارد جنگل نمی‌شدند. من فکر میکنم بعد از ضربات افراد ارتش رهایی بخش این ذهنیت تا حدود زیادی شکسته شد. افراد ارتش رهایی بخش مسائل امنیتی را بطور دقیق رعایت نمی‌کردند، مثلاً اصل بسی اعتمادی را مد نظر نداشتند و این برای آنها ضربه بزرگی شد. در همین اوضاع و احوال که به — سک ماموریت شهری رفته بودم با يك گشت شهری درگیر شدم، پس از مدتی جنگ و گریز با کمک گرفتارن از يك راننده تاکسی موفق شدم خود را به پای جنگل برسانم. تمامی فشنکهای کلتم تمام شده بود و فقط يك نارنجک برام باقی مانده بود. بعد از چند روز توسط یکی از هواداران مطلع شدم که واحدی که من در آن بودم ضربه خورده است و چند نفر توانسته اند جان سالم بدر ببرند. البته آنها تلفات زیادی به نیروهای سپاه وارد کرده بودند. دیگر برای کوتاه مدت اسید هیچگونه ارتباطی را نداشتیم. سه روز گریه و خسته در جنگلهای بین شهر ... و ... گردان بودم تا اینکه به یکی از خانههای روستایی رفتم و در آنجا بعنوان چوپان به کارگری پرداختم. در روستای ... در خانه کدخدای آن روستا بعنوان کارگر آذربایجانی به چوپانی پرداختم. در آنجا خودم را فردی نامی و بی سواد معرفی کرده تا مورد سوء ظن واقع نشوم. چندین ماه با کوسفندان به جنگل میرفتم و بعد از ظهر بر می‌گشتم. می‌دانستم که با لآخره بچه‌های جنگل به آن حوالی خواهند آمد در این مدت سلاح کمری‌ام را که خالی از فشنگ بود در سوراخ يك درخت بزرگ پلوط پنهان کردم و تنها نارنجکم همراه بود. در این مدت برای خانوادۀ کدخدا از مسائل مختلف و جنایات رژیم صحبت میکردم و چندین نفر که مخالف رژیم بودند با من دوست شده بودند. به مسجد میرفتم و در جلسات مردم آنجا که پیرامون مسائل عمرانی برای روستا تشکیل میشد، شرکت می‌کردم. چندین بار سپاه از آن روستا عبور کرد و به جنگل رفت من که همیشه لباس چوپانی به تن داشتم از سوء ظن آنها در امان بودم. چندین دفعه به شهر رفته بودم، اینبار می‌بایستی از طریق شهر به جنگلهای ... جهت براه انداختن يك تیم عملیاتی مخصوص عملیات در شهر میرفتم. تعداد نفرات آنجا مشخص شده بود و سرخ همه آنها به من داده شده بود. آن مناطق را خوب می‌شناختم هنگامی که دانش آموز بودم به آن مناطق — برای ماهیگیری زیاد میرفتم. از طریق شهر ... به شهرک ... که در غرب شهر ... نیز قرار دارد، رفتم و با نیروهای آنجا که برخی به جنگل نیز رفت و آمد میکردند تماس گرفتم. آنها وضعیت جنگل آن منطقه را برام تشریح کردند. ما متوجه شدیم که سپاه در

خاطرات جنگل ... از صفحه ۱۲

یاسداران به نزدیکی مارسید و از دو طرف جاده با آتش مسلسل‌های ما روبرو گشت، ماشین که تیر به راننده‌اش خورده بود از مسیر خود منحرف و محکم به درخت کنار جاده خورد. افراد داخل ماشین به هیچ وجه سجال عکس العمل نیافتند و هنگی به جز يك نفر در جا به هلاکت رسیدند. يك نفر که برای زدن تیر خلاص انتخاب شده بود کار خویش را انجام داد. هنگی سوار ماشین شدیم و بطرف روستا عقب نشینی کردیم. هنگام عقب نشینی به دادن شعار پرداختیم. در ماشین تعویض خشاب کرده و سلاحها را از ضامن خارج نمودیم. تصمیم بر این بود که هر ماشینی از مزدوران دیده شد به رگبار بسته شود. هر يك دو راهی يك ماشینی گشت که هنوز از خیابان عملیات اطلاعی نداشت به ترکیب ما مشکوک شد و به تعقیب ما پرداخت. ما به سرعت ماشین اضافه کردیم که زود به نزدیکی جنگل برسیم و از آنجا با استفاده از يك فرصت مناسب ماشین آنها را به رگبار ببندیم. بعد از چند دقیقه که به نزدیکی جنگل رسیده بودیم با استفاده از يك پیچ جاده از نظر آنها ناپدید شدیم. پس از پیاده شدن از ماشین — موضع گرفتیم. به محض رسیدن آنها با رگبار مسلسل‌های ما مواجه شدند. بعد از آن دیگر تاخیر را حایز نداشتیم و بدخل جنگل عقب نشینی کردیم. ...

چند هفته بصورت متحرک و در حال شناسایی در جنگلهای بین ... و ... بسر بردیم. ما مناطقی بودیم که نمیتوانستیم از طریق آن به یکی از شهرهای آذربایجان رفت و آمد کنیم. آروزها مهمات ما رو به اتمام بود و قرار بود از طریق شهر ... برای درگیری در روستای ... داشتیم که جزئیاتش خوب یادم نیست. عملیات اعدام انقلابی فرمانده بسیج ماسوله بود. بعد از یکماه ۲ ممانده بانک در شهر ... محله ... داشتیم که بعلت اشتباه یکی از افراد چیری به قریه خوردن ما باقی نمانده بود.

بعد از آن، محل استقرارمان تقریباً در جنگل بود بیشتر کارهایمان در شهر انجام میگرفت. طرح ممانده پولهای شرکت دولتی (چوگا) را که معادل ۴۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان بود در دستور کار قرار داده بودیم که بعلت دستگیری فرد شناسایی کننده موفق به این کار نشدیم. در این اواخر مشکل دیگری — کارهای ما افزوده شده بود. افرادی که در شهر زیر ضرب میرفتند برای ممنون ماندن از ضربه به جنگل فرستاده میشدند و بعد از مدت محدودی که در جنگل بسر میبردند، باز به شهر باز می‌گشتند. تهیه غذا و حل مسئله این افراد انرژی زیادی از افراد عملیاتی می‌گرفت. این باعث شده بود، افراد عملیاتی نتوانند به کار اصلی خود یعنی عملیات بپردازند. در نتیجه در این حالت نیروی دشمن بهتر می‌توانست به جنگل راه یابد. در این اواخر گردانی متشکل از چند نیروی نظامی دشمن (سپاه، بسیج و کماندوها) تشکیل شده بود. اسم این گردان، گردان



۰۰۰۰ که از فرماندهان مجاهدین بود در ضربات پاییز ۶۲ دستگیر شد) ۰ بعد از ۲ روز که در آن حوالی بودیم من و یک نفر دیگر از آن واحد جدا شده و قرار شد که برنامه کار ما توسط ... توضیح داده شود آن شب به داخل یک غار در چند کیلومتری آن روستا رفته و بعد از خوردن غذا به سرود خوانی پرداختیم آن شب آتش حساسی درست کرده بودیم و در حالیکه باران کمی می بارید جنگل همراه با بوی خیسگاه مخصوص طراوت خاصی داشت، در آنجا ساعتها بنا هم نشستیم و صحبت کردیم، بهر حال آنشب گذشت و فردای آن، پس از خدا حافظی با افراد دیگر همسراه با ... سوی جنگلهای ... حرکت کردیم. پس از ۱ یا ۲ روز پیداهروی قرار بود من از آنها جدا شوم و به شهر ... بروم، ۰ در این مدت که در جنگل بودم پس از چند دقیقه گشت زدن به هیچ ماشینی برخوردیم، لذا تصمیم گرفتیم توقف کنیم و در کنار جسابه منتظر بمانیم. یک جیب شیمای بعد از چند دقیقه پیدا شد، قبل برای افراد توضیح داده بودیم که موقع عمل نباید هرگز دستپاچه شد، بایستی با کمال خونسردی بطرفشان تیراندازی کرد و بعد از تیراندازی و زدن تیر خلاص به تک تک افراد داخل ماشین در حین تسلط بر صحنه عملیات با سرعت عقب نشینی کرد، نفرات آتش و پشتیمان آتش در هنگام عقب نشینی مشخص شده بود، ماشین حاصل در صفحه ۱۱

برخی از رویدادهای تاریخی

داخلی:
۱۳۵۸ - شروع کشتار وخشمانه مردم ترکمن سحر - توسط رژیم خمینی
۱۳۵۹ - قتل عام مردم کردستان در روستای قله تان
۱۳۶۲ - قتل عام مردم کردستان در روستاهای کالی رش و بیران جیغ
۱۳۲۶ - شهادت پیشوا قاضی محمد و بارانش، مسد قاضی و سیف قاضی توسط مزدوران رژیم شاه
۱۲۹۹ - قتل کلنل محمد تقی خان پسیان در خراسان
۱۲۹۹ - قتل شیخ محمد خیابانی در تبریز
۱۳۲۰ - درگذشت پروین اعتصامی
۱۳۵۸ - شهادت دانشجوی مبارز ناصر توفیقیان در راهپیمایی کارگران بیکار در اصفهان
۱۳۲۲ - شهادت رضا شمس آبادی در جریان تیر اندازی به شاه
۱۳۲۷ - اعتصاب ۱۲۰۰۰ ناکسیران در ایران
۱۳۳۰ - اعتصاب ۴۰۰۰۰ کارگر نفت در آبادان که ۱۲ روز طول کشید
۱۳۵۱ - شهادت (اعدام) ۴ مجاهد قهرمان علی باکری میهن دوست، محمد بازرگان و ناصر صادق توسط رژیم شاه
۱۳۵۸ - آغاز حمله رژیم جمهوری اسلامی به مردم سندساج
خارجی:
۲۰ مارس ۱۹۸۶ - نبرد قهرمانانه گرامه، از حماسی ترین نبردهای مردم فلسطین
۲۷ مارس ۱۹۷۶ - پیروزی جنبش رهایی بخش آفکپولا به رهبری میلا
۲۷ مارس ۱۹۸۶ - درگذشت بوری کاکارین در صفحه ۱۰

برای فتح قله های
پیر و ایت عشق؛
عشق به آزادی؛
عشق به مردم؛
عشق به بربری؛
یامرگ یا پسروری

رفقای فدایی:
جواد صلاحی - حبیب مومنی - خشایار سلج - منصور فرشیدی - محمد معصوم خانی - بیژن جزئی - حسن ضیا - ظریفی - عباس سورکی - مشعوف (سعید) کلانتری - محمد چوپانزاده - عزیز سمدی - احمد جلیل افشار - حمید اکرامی - محمد رضا کامیابسی - نوزال (پریدخت) آبتی - سیمین پنجه شاهی - عباس هوشمند - علی سیرابون - عبدالله سلسبیلی - جلیل اراضی - بهرام آق آتابای - عطا خانجانی - اراز محمد وردی پور - غفور حمادی - عبدالله مدفی زاده - سردی محمد کوسه غراوی - قربانعلی پور نوروز - سعید جوان سولاسی - علی محمد خوجه فیروز شگری - آنه بردی سراقاز - قربان (آرقا) شفیعی - فیروز صدیقی نور محمد شفیعی - محمد رسول عزیزیان - رفیق پروین افروزه - محمد حرمتی پور - منوچهر کلانتری صدیق دیده ور (دکتر بهرام) و ...
از سال ۵۰ تا کنون در پیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع توسط مزدوران رژیم های شاه و خمینی به شهادت رسیدند .

**چرا راه کارگر از مقاومت
انقلابی کارگران می نرسد**
در صفحه ۳

**با کمک های مالی خود سازمان را در
انجام وظایف انقلابی یاری رسانید**
هم میهنان مبارز
سازمان ما برای گسترش مبارزه مسلحانه انقلابی علیه رژیم خمینی به کمک های مالی شما نیازمند است .
کمک های مالی خود را به هر میزان که باشد، یا مستقیماً بدست ما برسانید و یا به حساب بانکی سازمان مندرج در همین صفحه نشریه واریز کرده و قبض رسید و یا فتوکپی آنرا به یکی از آدرس های سازمان ارسال دارید .

حساب بانکی سازمان
CREDIT LYONNAIS BANQUE
2365 کد کتبه
MME.TALAT R.T.
2617 G شماره حساب
LES HAUTS DE CHATOU
78400 CHATOU FRANCE

اخبار کوتاه
اندام مسئول شورای ملی مقاومت میلی بر قطع بمباران شهرها و بندرهای آن از طرف دولت عراق مورد حمایت و سمع بین المللی قرار گرفت . در این رابطه صدها تن از رهبران احزاب و شخصیت های سیاسی ، وزراء و مقامات برجسته دولتی و روسا و نمایندگان گروه های پارلمانی از کشورهای روسا و نمایندگان گروه های پارلمانی از کشورهای روسا و نمایندگان گروه های پارلمانی از کشورهای روسا در صفحه ۴

**برای دریافت نبرد خلق
و سایر انتشارات سازمان با
آدرس زیر مکاتبه کنید**
فرانه <

دو نامه از ایران
۰۰۰۰ در تاریخ ۱۳ فوریه (جمعه ۲۴ بهمن) ساعت ۱۹/۴۰ دقیقه هواپیماهای عراقی به تهران حمله و مناطق مسکونی را بشدت بمباران کردند . مناطق بمباران شده عبارت بودند از دریا نو (در غرب تهران) میدان وثوق که البته بمب اصابت شده به این محل عمل نکرد و در میدان آریاشهر (در غرب تهران) تا این تاریخ (۱۴ فوریه) ۸۵ نفر از زسوار آور در آورده شده و ۱۳۰ واحد مسکونی و تجاری و سفاره بکلی تخریب شده است .
در تاریخ ۱۴ فوریه ساعت ۶ صبح هواپیماهای عراقی مجدداً به تهران حمله کردند و ۳ نقطه را در تهران بمباران نمودند . منطقه آریاشهر و دانشگاه صنعتی شریف واقع در خیابان آزادی (آریاشهر سابق) و حوالی میدان رسالت در شرق تهران مورد حمله قرار گرفت . صدمات در دانشگاه بسیار شدید بوده و ۲۰ واحد مسکونی و چند سفاره و یک مهد کودک به در صفحه ۸